

آذربایجان

ناشر افکار فرقه دمکرات آذربایجان

دوره پنجم شماره ۱۰۶ شهریور ۱۳۹۲

اعلامیه کمیته مرکزی فرقه دمکرات آذربایجان

بمناسبت شصت و نهمین سالروز بیانیه ۱۲ شهریور

وظنان گرامی!

ه شصت و هشت سال پیش نیروهای مترقی و آزادیخواهان آذری به رهبری سید جعفر پیشه وری در صدد بر آمدند تا یک بار دیگر پرچم آزادیخواهی را در خطه آذربایجان به اهتزاز در آورند. رهروان ستارخانف باقرخان، حیدر عموغلی و شیخ محمد خیابانی در ۱۲ شهریور ۱۳۲۴ گرد آمدند تا فرقه دمکرات آذربایجان را تشکیل دهند. نتیجه و ثمره این نشست بیانیه دوازده ماده ای ۱۲ شهریور بود که رئوس کلی خواست و آرمان های مردم آذربایجان در آن تاکید شده بود. بنیانگذاری فرقه دمکرات آذربایجان علیرغم تبلیغات سهمگینی که از طرف نیروهای ارتجاعی داخل و امپریالیست ها علیه آن سازماندهی شد، از حمایت گسترده مردم آذربایجان و نیروهای ترقی خواه کشور بر خوردار گردید. در کمتر از یک ماه در تمام شهرها و روستاهای آذربایجان انتخابات آزاد برگزار شد که تا به آن روز در ایران سابقه نداشت. بیش از ۲ میلیون نفر در این انتخابات شرکت کرده بودند. اولین کنگره ملی خلق آذربایجان با حضور ۷۰۰ نفر از برگزیدگان مردم تمام نقاط آذربایجان در مهرماه ۱۳۲۴ در تالار فردوسی شهر تبریز تشکیل شد. کنگره پس از مذاکرات مفصل مرانامه و اساسنامه فرقه دمکرات آذربایجان را تصویب کرد. کنگره همچنین اعضای کمیته مرکزی که مرکب از ۴۱ نفر بودند انتخاب کرد. سید جعفر پیشه وری بعنوان صدر فرقه دمکرات آذربایجان برگزیده شد.

ادامه درص ۲

مصاحبه نشریه آذربایجان

با امیر علی لاهرودی صدر فرقه دمکرات آذربایجان
بمناسبت ۶۸ مین سالگرد انتشار بیانیه دوازده شهریور



س - رفیق لاهرودی ضمن تبریک به شما بمناسبت سالروز انتشار بیانیه دوازده شهریور. همانطور که اطلاع دارید ۶۸ سال از صدور این بیانیه می گذرد. ۶۸ سال پیش سید جعفر پیشه وری همراه تعدادی

از روشنفکران و انقلابیون آذربایجانی به این جمع بندی رسیدند که جنبش آزادیخواهی مردم ایران، بخصوص در آذربایجان به مرحله ای رسیده است که می توان به آرزوی دیرینه خلق های ایران از آن جمله خلق آذربایجان جامه عمل پوشید. به همین دلیل بیانیه دوازده شهریور، رئوس کلی وظایف دولت ملی را به اطلاع همگان رساند. سؤال ما این است که چه تحولاتی در جامعه ایران رخ داده بود که پیشه وری و یارانش شرایط را برای این کار مناسب دیده بودند؟

ج - جنبش ۲۱ آذر که نقطه آغاز آن دوازده شهریور ۱۳۲۴ می باشد، حادثه بزرگی در تاریخ کشور ما به حساب می آید. این رویداد تاریخی می توانست در ادامه خود به یک تحول بزرگ اجتماعی در کشورمان بدل شود و به عقب ماندگی چندین و چند ساله ایران پایان بخشد. متاسفانه چنین نشد. همه میدانیم که مردم ایران در یکصد ساله اخیر در راه استیفای حقوقشان بسیار تلاش کرده اند، قربانی های زیادی داده اند. تلاش و مقاومت مردم در مقطعی از تاریخ دولت های ارتجاعی و خودکامه را به عقب نشینی واداشته است.

ادامه درص ۳

در این شماره

- ۲۵ سال از قتل عام زندانیان سیاسی گذشت ۷ص
- چرایی و چگونگی تشکیل فرقه دمکرات آذربایجان ۸ص
- گفتاری درباره مسئله ملی ۱۳ص
- نامه حسین رونقی ملکی از زندان اوین به خامنه ای ۱۴ص
- کشتارپناهندگان در اردوگاه اشرف ۱۵ص
- شعر تبریز ۱۵ص
- فاجعه کودتای ۲۸ مرداد فراموش شدنی نیست ۱۶ص

به مناسبت نود و سومین سالروز

شهادت شیخ محمد خیابانی

یکی از برجسته ترین رهبران نهضت آزادی در آذربایجان



«تبریز می خواهدحاکمیت بدست ملت باشد. تمام ایران، فعلا با زبان حال خود این تقاضا را می نماید. هرگاه تهران از قبول این نظریه سرپیچی کند، ما با اصول رادیکالیسم

ایران را تجدید بنا خواهیم نمود. ما میگوییم حاکمیت دموکراسی باید در سراسر ایران جاری باشد. اهالی ایالات و ولایات باید رای خود را آزادانه اظهار دارند. برای مدافعه این حق، آخرین مرحله مردن است و مردن در این راه را ما بر زندگی بی شرمانه ترجیح می دهیم.» شیخ محمد خیابانی

شیخ محمد خیابانی فقر معنوی و استیصال فکری، گرسنگی و سایر محرومیت های ملت را دیده و کاملا درک کرده بود. قیام خیابانی را نباید حرکتی علیه دولتمردان و حاکمان لاقید و کرتج دانست.

ادامه درص ۶

جمهوری فدرال خواست همه ملل و اقوام ایران است!

مختار آذربایجان برای پیشرفت و ترقی شود. توطئه های گوناگون صورت گرفت. کسانی که دستانشان در دست های امپریالیست های آمریکا و انگلیس بود، فرقه دمکرات آذربایجان را به تجزیه طلبی متهم می کردند. خوانین و نیروهای ارتجاعی به قتل و غارت روستاها و شهرهای آذربایجان اقدام می کردند. خادمان دولت مرکزی به کارشکنی و توطئه مشغول بودند. دولت مرکزی برای اینکه جلو سازندگی و پیشرفت دولت خود را بگیرد، تمام موجودی پولی بانک های آذربایجان را تخلیه کرد. و... با همه این دسایس، دولت خود مختار آذربایجان موفق شد در مدت عمر کوتاهش خدمات بزرگی در عرصه های گوناگون اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی انجام دهد. که با گذشت هفت دهه بخش هایی از این اقدامات هنوز به یادگار مانده است.

نیروهای مترقی و آزادیخواه!

با گذشت نزدیک به هفتاد سال از تاریخ انتشار بیانیه ۱۲ شهریور، هنوز بخش بزرگی از مفاد این بیانیه لاینحل مانده است. انقلاب بهمن ۱۳۵۷ به حاکمیت پهلوی ها پایان بخشید. مردم آذربایجان در پیروزی انقلاب نقش بسزایی داشتند. با سرنگونی رژیم استبدادی شاه، انتظار می رفت تا آزادی های دمکراتیک در کشور نهادینه شود. در چارچوب همین آزادی ها خلقهای ساکن کشورمان نیز به حقوق ملی خود نایل آیند. اما با قدرت گیری آن دست از نیروهایی که هیچ اعتقادی به انقلاب و اهداف آن نداشتند، آماج های مردمی انقلاب یکی پس از دیگری باز پس زده شد. احزاب و سازمان های حامی انقلاب سرکوب و گروهی کثیری اعضا و هواداران آنها دستگیر و یا مجبور به ترک وطن شدند. زندان های جمهوری اسلامی به یکی از مخوفترین زندان ها برای شکنجه و اعدام زنان و مردانی که یگانه جرمشان دفاع از آزادی و حقوق حقه مردم بود، تبدیل شد.

ماشین سرکوب رژیم نتوانست به مبارزات مردم پایان بخشد. مبارزه برای رسیدن به آزادی و حقوق پایمال شده ادامه پیدا کرد. از سویی دیگر با رشد بیشتر شعور ملی، مبارزات مردم برای رسیدن به آزادی ابعاد گسترده تری گرفت. زیرا تجربه نشان داده است که مبارزه برای آزادیهای دمکراتیک بدون در نظر گرفتن حقوق ملی خلقها ساکن آن کشور، ناقص و آسیب پذیر است. فرقه دمکرات آذربایجان بر این باور است که تنها راه برون رفت از بحران همه جانبه کنونی کشور، ایجاد شرایط برای آزادی های دمکراتیک، بویژه پذیرفتن حقوق خلق های کشور است. تجربه یک ساله دولت ملی آذربایجان نشان داد که علیرغم تمام موانع و مشکلات پیش رو می توان با تکیه بر نیروی مردم از غیر ممکن ها، ممکن ساخت.

کمیته مرکزی فرقه دمکرات آذربایجان

شهریور ۱۳۹۲

حکومت ملی آذربایجان در ۲۱ آذرماه ۱۳۲۴ کار خود را شروع و به مدت یک سال دوام آورد. در این مدت کوتاه علیرغم همه کارشکنی های دولت مرکزی، خوانین و نیروهای ارتجاعی منطقه، اقدامات شایانی انجام داد که از دید دوست و دشمن پوشیده نیست. حکومت ملی آذربایجان در مدت بسیار کوتاه، اصلاحات زیادی در همه رشته های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی آذربایجان انجام داد. در رشته کشاورزی و مناسبات ارباب - رعیتی اصلاحات ریشه داری آغاز شد. اراضی خالصه (متعلق به دولت) و املاک فئودال ها و مالکان بزرگ فراری، بلاعوض بین روستاییان (حدود یک میلیون خانوار) تقسیم شد. برای کمک به روستاییان تهیدست، که ابزار کار، بذر، آب و دیگر لوازم ضروری جهت احیای کشاورزی را در اختیار نداشتند، «بانک فلاح» تاسیس شد و «شرکت ماشین های آبیاری» ایجاد گردید. تحت رهبری فرقه دمکرات آذربایجان مردم به فعالیت گسترده ای در رشته آبادی و عمران دهات و شهرها دست زدند. اقدامات جدی علیه بیکاری معمول داشته شد. کارخانجات قدیمی احیاء و توسعه داده شد و کارخانجات و موسسات صنعتی تازه ای احداث گردید. شبکه بهداشت عمومی پی ریزی شد. در رشته فرهنگ، اعلام رسمیت زبان آذربایجانی امکانات وسیعی برای پیشرفت ایجاد کرد. تاسیس دانشگاه، توسعه مطبوعات، فعالیت رادیو، احداث «چاپخانه معارف»، «چاپخانه آذربایجان»، تشکیل «اداره هنرهای زیبا»، «تئاتر دولتی»، «ارکستر ملی و فیلارمونی آذربایجان»، «جمعیت شاعران و ادیبان آذربایجان» و غیره به رشد فرهنگ خلق، آموزش و پرورش نوباوگان و جوانان، مبارزه با بیسوادی و غیره کمک شایانی کرد. تا جاییکه حتی دولت قوام در تصویب نامه ۷ ماده ای مورخه ۲ اردیبهشت ۱۳۲۵ معترف بود که «اصلاحات آن سامان جلب نظر نموده است».

فرزندان غیور آذربایجان!

شصت و هشت سال از انتشار بیانیه ۱۲ شهریور ۱۳۲۴ می گذرد. اصول مندرج در بیانیه ۱۲ شهریور، بر گرفته از خواست دیرینه مردم آذربایجان و آغاز نهضت نوین مردم این خطه به رهبری سید جعفر پیشه وری بود که در راه استقلال، آزادی، حق حاکمیت ملی و تمامیت ارضی ایران تنظیم شده بود. برون رفت از عقب ماندگی و مبارزه علیه استبداد و استعمار همواره سرلوحه روشنفکران و آزادیخواهان آذربایجانی ها بوده و هست. با فرار رضا شاه، فضای نسبتاً دمکراتیکی در کشور ایجاد شد. در چنین شرایطی پیشه وری و یارانش پرچم رهایی بخش برای ایران و حق حاکمیت ملی برای آذربایجان را بر داشتند. انقلابیون آذربایجانی مصمم بودند تا اهداف و آرمانهای انقلاب مشروطه و جنبش خیابانی را ادامه دهند. اهداف مترقیانه فرقه دمکرات آذربایجان که از پشتیبانی و حمایت بی دریغ مردم بر خوردار بود از همان ابتدا با دشمنی و کینه توزی دولت مرکزی، ارتجاع داخلی و ارتجاع جهانی روبرو شد. جبهه ارتجاع با تمام قوا کوشید تا مانع اقدامات دولت خود

مصاحبه نشریه آذربایجان....

جنبش های اجتماعی و انقلابات سالهای اخیر نتیجه کوشش و تلاش همین مردم برای برون رفت از شرایط موجود و زندگی بهتر و انسانی بوده است. اما نتایج و ثمره انقلابات به نفع مردم تمام نشد. زیرا حکومت هایی که پس از سرنگونی حکومت قبلی روی کار آمدند، در نهایت به خواسته مردم توجه نکردند و راه و روش حکومت قبلی را پیش گرفتند.

کشور ایران تا اوایل قرن بیست منطقه نفوذ روسیه تزاری و انگلیس بود. شمال و شمال غربی زیر نفوذ روسیه و جنوب تحت نفوذ انگلیس به سر می برد. حکومت ها یکی پس از دیگری دست نشانده یکی این قدرت ها بودند. قرن بیست قرن انقلابات بود. انقلاب روسیه در اوایل این قرن چهره جهان را تغییر داد. در ایران نیز انقلاب مشروطیت و انقلابات بعدی حاکمیت های ارتجاعی را یا سرنگون و یا وادار به عقب نشینی در مقابل خواست مردم کردند. اما به دلایل ساختاری جامعه این دستاوردها خیلی دوام نداشت.

جنگ جهانی دوم براحتی از کنار ایران نگذشت. متفقین به ایران نیرو فرستادند. رضا شاه که با قدرت گیری فاشیسم از بریتانیا بریده و متحد آلمانها شده بود، مجبور شد ایران را ترک کند. پسرش به سلطنت رسید. دولت مرکزی مانند گذشته تحت نفوذ انگلیس و بعدا آمریکا قرار گرفت. در شمال و شمال غربی ایران شرایط طور دیگری بود. مردم این قسمت از کشور بدلیل گوناگون از جمله تاثیر پذیری اشان از تحولات سیاسی و اجتماعی اروپا به خاطر نزدیکی با آن نسبت به جاهای دیگر کشور رادیکالترند. بارها مردم این بخش ایران برای گرفتن حقوق حقه خود به پا خواسته اند. انقلاب مشروطیت، جنبش خیابانی و جنبش جنگل را می توان نمونه بارز آن دانست. پس از خروج رضا شاه و تضعیف حکومت مرکزی، امکان بیشتری برای مردم از آن جمله آذری ها بوجود آمد نا علیه ارتجاع حاکم مبارزه کنند. فرقه دمکرات آذربایجان در چنین شرایطی برای پاسخگویی به نیاز مردم خلق آذربایجان پایه گذاری شد.

س - لطفا توضیح دهید که چه افراد تاثیر گذاری در صدور بیانیه دوازده شهریور شرکت داشتند و چه اهدافی را دنبال می کردند؟

ج - در نشست اولیه به غیر از پیشه وری و شبستری که در نهضت های جنگل و خیابانی شرکت کرده بودند، بقیه افراد سابقه سیاسی آن چنانی نداشتند. آنها بیشتر متعمدین محلی و افراد میهن پرستی بودند مانند حسین بیرنگ، حاج غلامحسین فرشی، تقی بیت الله، چلبی، رضا رسولی و دو سه نفر دیگر که دوست داشتند مردم آذربایجان به حقوق ملی خود دست یابند. بیانیه دوازده شهریور که به دو زبان آذری و فارسی نوشته شده بود به روشنی نشان میدهد که فقط حق تعیین سرنوشت برای مردم آذربایجان مد نظر نویسندگان آن نبوده است. بلکه اهداف بزرگتری مانند "دمکراسی برای ایران" مد نظر

بوده است. چونکه بدون آن امکان موفقیت یکی از خلق های ایران تقریبا غیر ممکن است. پیشه وری با شعار دمکراسی برای ایران و خود مختاری برای آذربایجان" روح و ماهیت این نشست را به اطلاع همگان رساند. به همین دلیل دکترین جدید پیشه وری در سراسر ایران بازتاب گسترده ای پیدا کرد. اگر شما به روزنامه آذربایجان در آن روزها نگاه کنید بوضوح می بیند که استقبال مردم ایران مانند فارس ها و کرد ها و ... از این رویداد تاریخی چقدر زیاد است. خیلی از افرادی که پیام تبریک فرستاده بودند، تقاضای همکاری با فرقه دمکرات را نیز کرده بودند. این نشان میدهد که مردم سراسر ایران مشتاقند تا در تعیین سرنوشت خود نقش داشته باشند.

س - این بیانیه چطور تنظیم شد و چه افرادی در تنظیم آن نقش موثر داشتند؟

ج - پیش نویس بیانیه با شرکت حدود ده نفر به رهبری پیشه وری تنظیم شد. این پیش نویس با استقبال فراوانی از طرف شخصیت های برجسته و تاثیر گذار روبرو شد. در اندک مدتی امضاءهای پای بیانیه نزدیک به پنجاه نفر رسید. نخستین شماره روزنامه آذربایجان پر است از تقاضای عضویت و اعلام حمایت هزاران نفر از اهالی آذربایجان. در پی استقبال بی نظیر مردم از بیانیه، اعلام شد افرادی که تا 22 شهریور بیانیه را امضاء کند، جزء موسسین فرقه محسوب می شوند. بدین ترتیب نزدیک به هزار نفر بیانیه را امضاء کردند. در واقع امر موسسین فرقه دمکرات آذربایجان نزدیک به هزار نفر می باشند. بعدها با پیوستن اعضای حزب توده ایران در آذربایجان که بیش از 60 هزار نفر بودند، تشکیلات فرقه دمکرات به یک تشکیلات قدرتمند تبدیل شد.

س - در اینجا بد نیست که این سوال را نیز مطرح کنیم. در خیلی از اظهار نظرها گفته شده که رهبران حزب توده ایران با تشکیل فرقه دمکرات آذربایجان مخالف بوده اند. چطور شد که تشکیلات این حزب در آذربایجان به فرقه پیوست؟

ج - ببینید قبل از تشکیل فرقه دمکرات آذربایجان، حزب توده ایران از مدافعان سرسخت حقوق ملی خلقهای ساکن کشور بود. از آنها قبلتر نیز کمونیست های ایران برای اولین بار حق تعیین سرنوشت را در ادبیات سیاسی ایران آورده بودند. طبعاً حزب توده ایران نمی توانست با مردم آذربایجان برای در دست گرفتن سرنوشت خود مخالف باشد. البته مثل تمام احزاب سیاسی در میان بدنه و رهبری این حزب مخالف و موافق وجود داشت. مخالفین معتقد بودند که تشکیلات حزب در آذربایجان همان وظایف را انجام میدهد. پس نیازی به تشکیلات ملی نیست. بعدها همین افراد با تمام وجود از مبارزات فرقه دمکرات آذربایجان حمایت کردند. بسیاری از افسران عضو حزب توده ایران که آذری هم نبودند از تهران و

ادامه در ص ۴

مصاحبه نشریه آذربایجان....

دیگر شهرهای کشور به نهضت 21 آذر پیوستند. این انقلابیون نقش بزرگی در آموزش فداییان فرقه بازی کردند. تعداد زیادی از آنها در این راه شهید شدند و یا مجبور به مهاجرت گردیدند. اتفاقاً دفاع همه جانبه حزب از مبارزات مردم آذربایجان ارتجاع را بر علیه آن شوراند. این واقعیت تاریخی است. اگر یک عده ای می خواهند این حقیقت را طور دیگر جلوه دهند. یا نا آگاهند و یا مغرض.

س - گروهی چنین تبلیغ می کنند که تشکیلات فرقه ساخته و پرداخته شوروی است و به دستور استالین و باقروف ایجاد شده است. به نظر شما این موضوع چقدر صحت دارد؟

ج - به نظر من پرداختند به این مسئله بی ربط لزومی ندارد. میدانید که مروج چنین اتهامی به خلق قهرمان آذربایجان بیشتر تئوریسین های دولت پهلوی و اخیراً نیز گروهی از دست اندرکاران جمهوری اسلامی هستند. البته غرب نیز به آن دامن می زند. اگر فرض محال را برچنین لاطائلاتی قرار دهیم آنوقت انقلاب مشروطیت، جنبش خیابانی و غیره رانیز باید به حساب سفارش خارجی ها گذاشت. شما مشاهده کردید که قیام مردم تبریز در 29 بهمن 1356 بر علیه رژیم استبدادی شاه را نیز به خارجی ها وصل کردند. شاه در پاسخ به تظاهرات دهها هزارنفری مردم تبریز آنها را عامل خارجی دانست و گفت از آن طرف مرزها آمده اند. قصدشان آن است تا ایران را "ایرانستان" کنند. می بینید این روش تمام حکومت های استبدادی و غیر مردمی است. در جمهوری اسلامی نیز ما باهمین پدیده روبرو هستیم. وقتی خواستند منتقدین خود را از صحنه سیاسی کشور حذف کنند، آنها را کودتا گر، توطئه گرا و عوامل خارجی قلمداد کردند. فرق نمی کند این گروهها کمونیستند یا ملی گرا و یا مسلمان. مسئله آنست آن گروهی که در راس قدرت قرار گرفته اند نمی خواهند به منافعشان لطمه وارد شود. آنها نمی خواهند این حقیقت را بپذیرند که جنبش های اجتماعی در آذربایجان و دیگر نقاط کشور نتیجه رشد شعور ملی و سیاسی این خلق ها است.

مردم آذربایجان به دلیل نزدیکی به اروپا و پیوندی که با سوسیال دمکرات های روسیه بر قرار کرده بودند. بیشتر از خلق های ساکن کشور تحت تاثیر این جنبش ها قرار داشتند و آموخته بودند. دانشجویانی ایرانی که برای تحصیل به اروپا رفته بودند با محافل روشنفکری آنجا آشنا شدند. در آنجا دکتر ارانی با برگشتن به ایران به تبلیغ ایده های ترقی خواهانه خود پرداخت و بزودی توانست گروهی از روشنفکران را گرد آورد. حرکت دکتر ارانی آغاز روشنگری در کشور ما به حساب می آید. از طرف دیگر طیف عظیمی از زحمتکشان آذربایجان که برای کار به باکو پایتخت جمهوری آذربایجان می رفتند. با افکار سوسیال دمکرات های آن دیار آشنا و تحت تاثیر مبارزات آزادیخواهانه آنها قرار

گرفته بودند. از میان این افراد رهبران برجسته ای مانند حیدر عمو اوغلی، سلام الله جاوید، پیشه وری و بودند که که حزب سوسیال دمکرات عدالت را در سال 1296 در باکو بنیاد نهادند. رهبری این حزب با اسدالله غفارزاده بود. اعضای این حزب را 60 در صد کارگرانی ایرانی که عموماً شاغل در صنعت باکو بودند، تشکیل می داد. 27 درصد کارمند و پیشه ور و تنها 3 درصد روشنفکر بودند. می بینید که زحمتکشان آذربایجان نزدیک به صد سال پیش تحول خواه بوده اند. همین افراد به جنبش انقلابی ایران بخصوص در آذربایجان و گیلان خدمات شایانی کردند. البته این نکته را نباید فراموش کرد که حضور نیروهای نظامی اتحاد شوروی در آذربایجان قدرت سرکوب ژاندارم ها را محدود کرده بود. این کمک بزرگی بود که فرقه دمکرات بتواند راحت تر فعالیت کند. این افراد حق ندارند به شعور مردم آذربایجان توهین کنند.

س - رفیق لاهرودی شما از بدو تاسیس فرقه دمکرات آذربایجان حضور داشتید. پس از انتشار بیانیه 12 شهریور واکنش مردم چطور بود؟

ج - واکنش مردم بسیار خوب بود. شور و شوق مردم در دفاع از تشکیل فرقه بی نظیر بود. کمتر از یک هفته از انتشار بیانیه نگذشته بود که هزاران نسخه از آن در شهرها و دورترین روستاهای آذربایجان دست بدست می گشت. روستاییان بی سواد جمع می شدند تا یک نفر محتوای بیانیه را برایشان بازگو کند. من خود شاهد این جنب و جوش بودم. مردم آذربایجان چند بار برای رسیدن به حقوق واقعی خود قیام کرده بودند. تجربه کافی در این راه را داشتند. از انقلاب مشروطه و جنبش خیابانی کمتر از چهاردهم گذشته بود. افکار، ایده ها و آرمان های جنبش های قبلی هنوز در ذهن مردم زنده بود و حتی بودند افرادی که در جنبش های قبلی شرکت داشتند. جنبش 21 آذر بر پایه جنبش های قبل از خود استوار بود. حرکتی نبود که یک شبه بوجود آید. البته نقش سید

جعفر پیشه وری را نباید نادیده گرفت. او تجربه بالایی داشت. نسبت به مسائل و مشکلات ایران بخصوص آذربایجان شناخت کافی داشت. پیشه وری در حالی که خیلی جوان بود، از مسئولین بالای حزب عدالت بود، او در جنبش جنگل شرکت داشت و بعنوان کمیساریهای امور خارجه جنگل انتخاب شده بود. وقتی به تهران آمد اتحادیه کارگران ایران را راه اداخت و روزنامه حقیقت را منتشر کرد. به خاطر فعالیت هایش توسط پلیس رضا شاه دستگیر و نزدیک به ده سال در زندان های رضا شاهی زندانی کشید و پس از آزادی به مدت دوسال به کاشان تبعید شد. پس از سقوط رضا شاه به تهران برگشت و روزنامه آژیر را منتشر کرد. در سال 1322 خود را کاندیدای نمایندگی دوره 14 مجلس شورای ملی از تبریز کرد بعنوان نماینده اول تبریز انتخاب شد. اما از طرف نمایندگان ارتجاع و ملاکینی که در مجلس لانه

ادامه درص ۵

مصاحبه نشریه آذربایجان....

کرده بودند، اعتبار نامه وی رد شد. پیشه وری انسانی آزادبخواه و عدالت پرور بود. به همین خاطر در میان اهالی آذربایجان از محبوبیت خاصی برخوردار بود و هست.

س - در بیانیه دوازده شهریور برنامه هایی برای حل مسائل گره ای مردم آذربایجان طرح شده بود. دولت خود مختار آذربایجان چقدر موفق به اجرای مفاد بیانیه شد؟

ج - در شهریور 1324 بیانیه تاسیس فرقه به اطلاع همگان رسید. مدت ها طول کشید تا تشکیلات فرقه سازماندهی شود. در این مدت دهها هزار نفر آذربایجانی که شامل روشنفکران، معلمان، فرهنگیان، هنرمندان، کارگران، کشاورزان، صاحبکاران، تجار و حتی بخشی از زمینداران یا عضو فرقه شدند و یا از بیانیه حمایت کردند. فرقه دمکرات به معنی واقعی به یک حزب سیاسی فراگیر در آذربایجان تبدیل شد. پس از تشکیل مجلس ملی، حکومت خودمختار آذربایجان به رهبری سید جعفر پیشه وری شروع بکار کرد. از اولین اقدامات دولت خودمختار اجرای وعده های داده شده در بیانیه دوازده شهریور بود. برای اجرای مفاد بیانیه مشکلات زیادی سر راه دولت ملی وجود داشت. شهرهای آذربایجان قحطی زده بود. بانک ها و موسسات مالی توسط دولت مرکزی خالی شده بود. ملاکان، ژاندرم ها، ارتشیان و مرتجعین به توصیه دولت مرکزی جماعت را بر علیه دولت ملی تحریک می کردند. با این همه رفورم های انجام گرفته در مدت یک سال به گواه همگان یک حرکت انقلابی بود که با همت اکثریت مردم ممکن بود. از آن جمله میتوان از اصلاحات ارضی، عمران و راهسازی، احداث و احیاء صنایع، مبارزه با بیکاری و فقر، گسترش بهداشت عمومی، احیاء فرهنگ آذربایجانی، تدریس به زبان مادری در کنار زبان فارسی، تاسیس دانشگاه، راه اندازی رادیو، توسعه مطبوعات و آزادی قلم و بیان، هنرهای زیبا و تئاتر، ارکستر ملی، انجمن ادبا و شاعران و نویسندگان نام برد.

س - حضور نیروهای متفقین در ایران، نیروهای انگلیس و آمریکا در جنوب و مرکز ایران و نیروهای اتحاد شوروی در مناطق شمالی ایران از جمله در آذربایجان چه تاثیری در تشکیل فرقه دمکرات آذربایجان داشت. و چقدر در موفقیت دولت خود مختار آذربایجان در امر اصلاحات و سازندگی که به آن اشاره کردید، نقش داشت؟

ج - رضا شاه با حمایت دولت بریتانیا به حکومت رسید. اما با قدرت گیری دولت فاشیستی هیتلر به دولت آلمان نزدیک شد. با شروع جنگ جهانی با اینکه ایران اعلام بی طرفی کرده بود. صدها کارشناس آلمانی و از آن جمله کارشناسان نظامی در ایران فعالیت می کردند. متفقین این را نقض آشکار بی طرفی ایران میدانستند. چندین بار قبل از سوم شهریور 1320 متفقین از رضا شاه درخواست کرده بودند برای عبور مسالمت آمیز نیروهایشان از ایران اجازه دهد. این درخواست ها از طرف او رد می شود. رضا شاه که به قدرت برتر ارتش آلمان ایمان داشت. امکان حمله نیروهای متفقین به ایران را ضعیف می دانست. متعاقب برخورد رضا شاه دولت بریتانیا و شوروی دو التیماتوم مشترک در 28 تیر و 25 مرداد راجع به حضور جاسوسان و کارشناسان آلمانی به ایران دادند. دولت شاهنشاهی ایران به این تذکرات اهمیتی نداد. سرانجام در تاریخ سوم شهریور 1320 نیروهای متفقین وارد ایران شدند. در تاریخ 22 شهریور وزارت خارجه ایران طی نامه ای به سفارت آلمان، خواست تا اتباع آلمانی ایران را ترک و

سفارتخانه آن کشور بسته شود. این ها را گفتم تا ببینید وضعیت سیاسی کشور چطور بوده است. آنچه من به چشم خود دیدم نیروهای ارتش سرخ که در چارچوب نیروهای متفقین به ایران آمده بودند. اجازه خروج بدون دلیل از پادگانهای مستقر در آن را نداشتند. آنطور نبود که در میان مردم رفت و آمد کنند و امر و نهی نمایند. فرقه دمکرات درست چهار سال پس از اشغال ایران توسط متفقین و فرار رضا شاه تشکیل می شود. اگر اراده اتحاد شوروی بر این بود تا حزبی متمایل به خودش را ایجاد کند 4 سال فرصت داشت. پس از تشکیل فرقه نیروهای شوروی حدود 5 در ایران بودند. پس از آن ایران را ترک و تمام تجهیزات خود را هم بردند. فرقه دمکرات آذربایجان پس از خروج نیروهای شوروی علیرغم تمام توطئه ها و فشارهای موجود نزدیک به 7 ماه دوام آورد. اما از یک واقعیت نباید گذشت که حضور نیروهای شوروی شرایط را برای سرکوب مردم توسط ژاندارم ها و خوانین کم کرده بود و از سویی دیگر پیروزی دولت سوسیالیستی در جنگ با فاشیسم به لحاظ معنوی به طبقات فرودست و متوسط جامعه که همیشه تحت فشار و ظلم بودند امیدواری بخشیده بود. این خود کمک بزرگی به نیروهای ملی و آزادیخواه بود تا امکان فعالیت بیشتر داشته باشند. بعضی ها گویا اصلا دوست ندارند فاکتور مردم را در مبارزات علیه ظلم و ستم در نظر بگیرند. ما باید در نظر داشته باشیم که هیچ انسانی ظلم پذیر نیست و هر وقت شرایطی ایجاد شود علیه ظالم قیام می کند. تاریخ یکصد ساله اخیر ایران و دیگر کشورهای جهان گویای این حقیقت است. دولت خودمختار آذربایجان یک سال دوام آورد و باعث خدمات بزرگی در آذربایجان شد. نیروهای ارتجاعی با کمک مستقیم امپریالیسم آمریکا و انگلیس به سرکوب آن پرداختند. حمام خون در آذربایجان به راه افتاد. هزاران نفر از دم تیغ گذشتند. دستاوردهای یک ساله دولت ملی نابود شد. زندانی و شکنجه و اعدام نصیب افرادی شد که جرمشان دفاع از حقوق مردم آذربایجان در چارچوب ایرانی آزاد و پیشرفته بود. تاریخ نشان داد که سرکوب خلق قهرمان آذربایجان خاک ریز اول برای سرکوب تمام احزاب و سازمانهایی که در فضای پس از رضا شاه امکان فعالیت پیدا کرده بودند، بود. حزب توده ایران به خاطر دفاع از حقوق زحمتکشان و دولت دکتر مصدق به خاطر تلاش برای ملی کردن نفت که سالها به بغما می رفت مورد سرکوب قرار گرفتند. همچنین دیگر سازمانها و تشکل های توده ای که دل در گرو مردم داشتند. اخیرا سازمان اطلاعات و امنیت آمریکا (سیا) به جنایاتی که در حق مردم ایران انجام داده، صحنه گذاشته است. و قبول کرده که کودتای 28 مرداد 1332 را سازماندهی کرده است. این کودتا باعث شد تا ایران برای سالهای متمادی از قبیله تمدن بشری عقب بماند. دیکتاتوری به جای دمکراسی جایگزین شود. امپریالیسم نوظهور آمریکا بر ثروت و سرنوشت ایران چمبره بزند. در نتیجه کشور ثروتمند ایران با مردمی تلاشگر و آزادیخواه از رشد سیاسی، اقتصادی و اجتماعی باز ماند. امری که با وجود انقلاب بزرگ بهمن ماه 1357 از آن خلاصی ندارد. این است آن واقعیتی که در تاریخ ایران روی داده است. اگر این اتفاق نمی افتاد، سرنوشت مردم ایران شکل دیگری رقم می خورد.

رفیق لاهردی با تشکر از شما که وقتتان را در اختیار ما قرار دادید و دیدگاه و نظاراتتان را از طریق نشریه آذربایجان ارگان مرکزی فرقه دمکرات آذربایجان به اطلاع خوانندگان ما رساندید. من هم از شما متشکرم که این امکان را به من دادید. برای شما و همه وطنانم آرزوی موفقیت دارم.

به مناسبت نود و سومین سالروز...

قیام آذربایجان شروع یک نهضت عظیم فکری و ملی بود که شیخ محمد خیابانی در رأس آن قرار داشت و در این راه شربت شهادت نوشید و نام خود را در یکی از پر افتخارترین صفحات تاریخ ملتمان جایگزین کرد. 22 شهریور ماه، نود سومین سالروز شهادت شیخ محمد خیابانی است. وی در سال 1259 در تبریز متولد شد و تحصیلات اولیه خود را در مدارس دینی تمام کرد. خیابانی در دوران انقلاب مشروطیت در حالیکه 27 ساله بود وارد میدان مبارزه شد. چندی نگذشت که به عنوان یکی از پیشوایان انقلاب شهرت یافت.

فداکاری و مجاهدت غیورانه و بی نظیر شیخ محمد هنگامی به اوج خود رسید که نیروهای ارتجاعی محمد علی میرزا، شهر تبریز را به محاصره کامل خود در آورده و از رسیدن آب و آذوقه به شهر جلوگیری می کردند و هر روز که می گذشت این محاصره تنگ تر می شد. در این روزهای سرنوشت ساز، شیخ محمد خیابانی تفنگ در دوش گرفته همراه با مجاهدین از شهر، مشروطیت و آزادی دفاع می نمود. همزمانش می نویسند: در جریان دفاع اگر کوچکترین سستی و یاس از مجاهدین می دید با بیانات شیرین و سخنرانی های مهیج به آنها روحیه تازه می داد.

هم زمان در حالیکه با دشمنان ملت و آزادی می جنگید در انجمن ایالتی تبریز نیز عضویت داشت. در این مورد حاجی محمد علی بادامچی در کتاب خود تحت عنوان «شرح حال شیخ محمد خیابانی» که در سال 1304 در برلین به چاپ رسانده می نویسد: شیخ در حالیکه شب و روز تفنگ در دوش با دشمن می جنگید، یکی از شخصیت های مهم انجمن بود و با فکر و عقل و تدابیر، امور انجمن را اداره می کرد.

محمد علی میرزا این دشمن قسم خورده انقلاب مشروطیت برای غلبه بر مجاهدین و تامین نیروهای تازه نفس احتیاج به پول داشت به همین منظور دست به دامن اربابان انگلیسی و روسی شد. نمایندگان این دول قول پرداخت 40 هزار لیر به او دادند.

انجمن ایالتی آذربایجان که خود را جانشین مجلس شورای ملی اعلام کرده بود با صلاحدید شیخ محمد خیابانی تلگرامی به پارلمان و مجلس سنای فرانسه ارسال و مخالفت ملت ایران را با کمک های مالی به دربار قاجار از طرف دول خارجی اعلام کرد. متن تلگرام به شرح زیر بود:

«پارس، مجلس مبعوثان، مجلس سنا. در موقعی که شاه مجلس را با توپ منفصل ساخته و می خواهد برای منقرض ساختن قوای ملی از دول متجاسر قرض کرده، تجهیز سلاح و قشون نماید ما ملت ایران به عموم ملل حریت پرور عالم اعلام می کنیم که این وجه، نظر بر اینکه باعث اضمحلال یک ملتی خواهد شد که در راه اخذ

حقوق انسانیة خود جان سپاری میکنند، ملت ایران هم به هیچوجه ذمه دار این استقراض نخواهد دانست.

انجمن ایالتی آذربایجان

پس از فرار محمد علی شاه و تشکیل مجلس دوم، شیخ محمد خیابانی به پاس خدماتی که کرده بود از طرف مردم آذربایجان به عنوان نماینده این خطه به مجلس شورای ملی راه یافت. در مجلس هم درایت و تیز هوشی او مثال زدنی بود. علی آذری در کتاب خود تحت عنوان «قیام شیخ محمد خیابانی در تبریز» می نویسد: متن سخنرانی شیخ محمد خیابانی در مورد اولتیماتوم معروف دولت روسیه تزاری به دولت ایران کم نظیر بود. دولت روسیه 48 ساعت برای اجرای آن ضرب العجل تعیین کرده بود. وثوق الدوله متن اولتیماتوم را در ساعت ده وسی دقیقه روز جمعه هفتم آذر ماه 1290 به مجلس آورده و تصویب آنرا از نمایندگان ملت خواسته بود. هنگام قرائت متن اولتیماتوم روسیه، سکوت وحشتناکی در مجلس مستولی می شود و نمایندگان در بهت و حیرت فرو میروند. ناگهان صدایی مصمم و دشمن شکن سکوت مرگبار را می شکند و جو حاکم بر صحن عمارت بهارستان را تغییر می دهد، «بعضی سئوالاتی است که جواب آنها از زمانهای بسیار قدیم داده شده و احتیاج به جواب مجددی ندارد. چنانکه اگر از ملتی سئوال شود که آیا حاضر هستی آزادی و استقلال را از دست بدهی، مسلماً خواهد گفت هیچ قدرتی حق ندارد آزادی و استقلال مرا سلب کند. امیدوارم دولت روسیه اولتیماتوم ظالمانه خود را پس بگیرد و ملت ایران را از خود نیازارد».

این نطق تاریخی دل و جرئت کم ماندی به سایر نمایندگان بخشید. پس از آنکه عده ای از نمایندگان در باره زیانبار بودن آن سخنرانی کردند، اکثریت قریب به اتفاق نمایندگان اولتیماتوم را رد کردند.

در اینجا به فرازهایی از سخنان تاریخی این مرد بزرگ توجه کنیم:

-- خلقی که در باره استقلال به مبارزه بر خاسته در درجه اول باید آمادگی برای مرگ را داشته باشد؛

-- ترس، اساس آزادی ملت و بشریت را نابود می کند. برعکس شجاعت و دلاوری این اساس ها را پا برجاست و مغلوب نشدن می کند؛

-- ترحم به کسانی که حقوق خلق را غصب کرده، خیانت به توده هاست؛

-- ما خواهان سعادت برای خلق آذربایجان و رهایی از سفالت و فلاکت برای ایران هستیم؛

-- شرط اول شرف ملت، استقلال اوست؛

-- دو انسان هم مسلک مانند برادرند؛

شیخ محمد خیابانی در نظر داشت با اعاده حاکمیت ملی به ملت ایران و ایجاد تحول عمیق در افکار مردم آرمانهای انقلاب مشروطیت را تحقق بخشد.

25 سال از قتل عام زندانیان سیاسی گذشت



بزرگی از نیروهای درون حاکمیت که در مقابل جنایات رخ داده مهر سکوت بر لب زده بودند خود قربانی چنین سیاستی شدند. طبیعی است که عدم پی گیری و سکوت در باره کشتارهای این دوره و فاجعه ملی قتل عام زندانیان سیاسی در سال ۶۷، زمینه ادامه سرکوب و جنایت تا امروز بوده است. بدیهی است دیر یا زود ابعاد این جنایت رو خواهد شد. آمران و عاملان آن شناخته و به دست عدالت سپرده خواهند شد. در این میان کسانی که با سکوت خود به ادامه چنین جنایاتی یاری می رسانند، خواسته یا ناخواسته در تداوم چنین جنایاتی شریک خواهند بود.

مبارزه در راه شناسایی عامران و عاملان این جنایت ها وظیفه تمام نیروهای میهن پرست و ترقی خواه کشور است. شرایط برای بازپس زدن نیروهایی که با توسل به زور و سرکوب و کشتار حاکمیت می کنند، آماده تر است.

**فرقه دموکرات آذربایجان
پروسه های منطقه ای و
جهانی را مد نظر داشته، با
بیش از نیم قرن تجربه فعالیت
سیاسی و با درس عبرت گرفتن
از ناکامی و پیروزی های
گذشته مبارزه ملی مردم
آذربایجان را جهت داده، فعالیت
خود را در مقیاسی جدید ادامه
می دهد.**

پیشه وری

با گذشت ربع قرن ابعاد این فاجعه هنوز مشخص نیست
در مرداد و شهریور ماه سال 1367 یکی از تکان دهنده ترین فجایع تاریخی بشری در کشور ما رخ داد. در این دو ماه هزاران تن زندانی سیاسی قتل عام شدند. گروهی از جانباختگان حتی دوران محکومیتشان تمام شده بود. و گروه کثیری از آنان هنوز در دادگاههای رژیم محکوم نشده بودند. کشتاری که بدون شک با تمام معیارهای انسانی در تضاد است و به درستی افکار عمومی جهان این عمل را جنایت علیه بشریت نام نهاده است.

نیروهای امنیتی جمهوری اسلامی پیکرهای بی جان این کوشندگان راه آزادی را شبانه در گورهای دسته جمعی و بدون نام و نشان به خاک سپردند و خانواده های این جانباختگان را برای همیشه از حق سوگواری بر مزار عزیزانشان محروم کردند. این آزادگان که در ده ها گورستان همچون گلزار خاوران، در سراسر ایران برای همیشه خفته اند. جانباختگان راه آزادی ایران به رغم گورهای بی نام و نشان، برای همیشه در یاد و حافظه تاریخی مردم ایران خواهند ماند، و گلزارهایی همچون خاوران میعادگاه آزادگان نسل های آینده خواهد بود. هر ساله دهم شهریور ماه آزادیخواهان ایران همراه با خانواده قربانیان این روز را بعنوان روز شهدای فاجعه ملی گرامی میدانند.

دولتمداران غربی و رسانه های بی شمارشان در حالیکه شبانه روز در دفاع از "حقوق بشر" می گویند و می نویسند. از کنار فاجعه ای به این بزرگی براحتی گذشتند. سکوت غرب از طرف آزادیخواهان کشور یک نوع همصدایی با عاملان کشتار زندانیان سیاسی تلقی شد و این فکر را تقویت کرد که، هر دوی آنان به فکر انتقام از نیروهایی هستند که با شرکت در انقلاب بهمین و دفاع از آرمان های مردمی آن، به منافع آنها لطمه وارد کرده اند.

کشتار و پاکسازی جامعه از دگراندیشان پس از فاجعه ملی، پایان نیافت. ترورهای خارج و داخل کشور و قتل های زنجیره ای کشتار در کوی دانشگاه با عاملانی چون سعید امامی و قاضی مرتضوی همچنان ادامه یافت. در حقیقت، سکوت مرگبار مسئولین جمهوری اسلامی به رهبری خامنه ای تابید و تشویقی برای ادامه این جنایات هولناک بود.

ادامه این روش را در سرکوب خونین فعالین مدنی و سیاسی خلق های ساکن کشور از جمله معترضین به خشک شدن دریاچه ارومیه می توان دید و بویژه می بینیم که پس از اعتراض میلیونی مردم به کودتای انتخاباتی سال ۸۸ و خیزش مردمی جنبش سبز، دوباره ما با موج جدیدی از سرکوب، دستگیری، اعدام و ناپدیدشدن کوشندگان مدنی و اجتماعی روبرو هستیم. کهریزک ها پس از خرداد 88، روزهای سیاه دهه فاجعه ملی قتل عام زندانیان سیاسی را یاد آوری می کند. در این سالها بخش

جراحی و چگونگی تشکیل فرقه دمکرات آذربایجان

خود و آبادان آذربایجان و هم سو با حفظ قوانین عادلانه مملکت سرنوشت خود را تعیین کند...

۲- برای اجرای همین منظور بالفور انتخاب انجمنهای ایالتی و ولایتی برگزار و شروع بکار خواهد کرد.

۳- در مدارس آذربایجان تا کلاس سوم بزبان آذربایجانی تدریس و از کلاس سوم به بعد در کنار زبان آذربایجانی، زبان فارسی نیز تدریس خواهد شد...

۴- فرقه دمکرات آذربایجان در خصوص گسترش صنایع و کارخانه ها تلاش نموده و سعی خواهد کرد. کارخانه های موجود تکمیل و از این طریق به رفع مشکل بیکاری پرداخته و در گسترش صنایع دستی و ماشینی وسائلی را بوجود خواهد آورد...

۵- گسترش تجارت از مسائل لازم و جدی فرقه دمکرات محسوب می شود. انسداد راه ها تا امروز موجب پامال شدن ثروتهای خرده مالکیتی روستاییان و بازاریان سبب افلاس... آنان شده است. برای جلوگیری از این کار فرقه دمکرات در پی یافتن راه هایی از جمله بازارهای خارجی برای فروش امته آذربایجان با استفاده از راه های ترانزیت می باشد...

۶- یکی دیگر از هدف های اصلی فرقه دمکرات آباد کردن شهرهای آذربایجان است. به همین زودی قانون انجمن های شهر تغییر خواهد یافت... به خصوص تأمین آب آشامیدنی مردم شهر تبریز از مسائل فوری و جاری فرقه دمکرات آذربایجان می باشد.

۷- بنیان گذاران فرقه دمکرات به خوبی میدانند که نیروی ثروت آفرین و توان اقتصادی در بازوی روستاییان نهفته است... فرقه سعی خواهد کرد که به منظور تأمین نیازهای روستاییان قدمهای اساسی بر دارد. تعیین حدود معقول در پرداخت های رعایا به اربابها و جلوگیری از مالیاتهای غیرقانونی... از وظایف مبرم و فوری فرقه دمکرات است... املاک خالصه و زمین هایی که اربابان آنها متواری شده اند... در صورتیکی که این زمین داران بزودی به آذربایجان مراجعت نکنند و بر اساسی موازین قانونی فرقه، در اختیار روستاییان گذشته خواهد شد... فرقه تلاش خواهد کرد تا نیازهای روستاییان و کشاورزان به ابزارهای کشاورزی و زمین را مستقماً و سریع مرتفع نماید.

۸- یکی دیگر از مهم ترین وظایف فرقه دمکرات مبارزه بر علیه بیکاری است. خطر بیکاری از هم اکنون بطور جدی خود نمائی میکند... از طرف دولت مرکزی و مقامات محلی آنها هیچ اقدامی در این زمینه انجام نگرفته است... فرقه مجدانه می کوشد که این خطر مهار شود...

۹- فرقه دمکرات خواهد کوشید تا آذربایجان متناسب با نفوس حق انتخاب نماینده داشته باشد. در این صورت

ادامه درص ۹

بعد از سقوط دیکتاتوری رضا شاه مردم ایران سکوت ۲۰ سال را در هم شکستند. اولین بار بعد از انقلاب مشروطیت سازمانهای سیاسی در صحنه سیاست ایران حضور پیدا کردند. همه این آزادیهای دمکراتیک مدیون ارتش متفقین در ایران بود. سازمانهای چپ در سراسر ایران بویژه در شمال و شمال غربی ایران (آذربایجان) گسترش یافت. آذربایجان و شمال ایران یگانه منطقه بودند که در آن به جز حزب توده ایران تشکیلات دیگری وجود نداشت. آذربایجان منطقه ای بود که همیشه در مبارزه برای آزادی و دمکراسی پیش گام بود. مردم آذربایجان در حول و حوش حزب توده ایران گرد آمدند. بدین طریق آذربایجان به یک منطقه انقلابی تبدیل شد. مبارزه علیه اربابان و ستم ژاندارمها توسعه یافت. در زد و خوردها میان دهقانان و اربابان بسیاری از مبارزین جان خود را از دست دادند. این مبارزه مردم آذربایجان را آب دیده نمود. آینده نزدیک نشان داد که آذربایجان در جبهه ای مقدم از ادیخواهان در ایران است.

نیروهای متفقین رضاشاه را از قدرت خلع ید کردند. آزادیهای دمکراتیک را به ایران باز گرداندند. اما حکومت کهنه کار در جای خود باقی ماند و پشت سر این حکومت بریتانیا و آمریکا که در ایران حضور نظامی داشتند قرار گرفتند. بدین سبب بود که این دو کشور میخواستند نیروهای خود را قبل از موعد مقرر بیرون کنند. تا بدین وسیله حکومت دست نشانده آنها دیکتاتوری دوران رضا شاه را در ایران احیا کنند. در چنین شرایطی ضرورت پیدایش یک نهضت مردمی در آذربایجان محسوس بود. برای این که آذربایجان مبارزه ضد دیکتاتوری را بر دوش بکشد، تشکیل سازمانی لازم بود که مردم را برای مبارزه در این راه بسیج کند. این سازمان نام فرقه دمکرات آذربایجان را به خود گرفت. سازمانی که پایه ای طبقاتی وسیع داشت می بايست همه ساکنین آذربایجان صرف نظر از ملیت و زبان خود در این سازمان ملی گرد هم آیند. همه شهروندان را در راه ایده آل آزادی و دمکراسی متشکل کند.

آماده کردن برنامه این سازمان ضرورت داشت. و این برنامه توسط پیشه وری تهیه شد. در روز دوازدهم شهریور ۱۳۲۴ (۳ سنٹیابر ۱۹۴۵) به دو زبان آذربایجانی و فارسی منتشر شد. در بیانیه ۱۲ شهریور ضرورت کسب خود مختاری آذربایجان با دلایل کافی تصریح و تحصیل خود مختاری بوسیله انجمن ایالتی پیش بینی شده است. متن خلاصه شده ۱۲ ماده ای بیانیه در اختیار خوانندگان قرار می گیرد.

۱- ضمن حفظ استقلال و تمامیت ارضی ایران، باید به موازات آن برای خلق آذربایجان آزادی داخلی و خود مختاری مدنی داده شود که بتواند در راه احیای فرهنگ

چرایی و چگونگی....

نمایندگان آذربایجان تقریباً یک سوم کل نمایندگان مجلس را تشکیل خواهد داد... انتخابات باید در سراسر ایران (بشکل آزاد) همزمان برگزار و کمترین زمان ممکن تمام شود.

۱۰- فرقه دمکرات آذربایجان با کارکنانی که خود را در جمع ادارات جا داده و به گرفتن رشوه و عمل اختلاس مشغولند مبارزه خواهد کرد و از کارکنان صادق قدردانی به عمل خواهد آورد. مخصوصاً تلاش خواهد کرد تا در آمد آنها را بطور تنظیم کند که ایشان نیاز به زدی و خیانت نداشته باشد... یک زندگی آبرومند برای خود فراهم کند.

۱۱- فرقه دمکرات سعی خواهد کرد بیشتر از نصف مالیات های مستقیم صرف احتیاجات خود آذربایجان بشود. و از میزان مالیات های غیر مستقیم به میزان قابل توجهی کاسته شود.

۱۲- فرقه دمکرات آذربایجان خواهان دوستی با تمام دولت ها به خصوص دول متفق می باشد و به این روند تداوم خواهد بخشید.

در پایان این بیانیه گفته می شود اینها هدف های بنیادین بنیانگذاران فرقه دمکرات هستند. ما امیدواریم هر یک از وطنپرستان آذربایجان چه در داخل آذربایجان یا بیرون از آذربایجان در رسیدن به این هدف مقدس با ما هم صدا و متحد شوند.

بعد از انتشار بیانیه دوازده شهریور تشکیل سازمانهای فرقه دمکرات آذربایجان در سراسر آذربایجان تسریع شد. سازماندهی در مدت کوتاه پایان یافت و دوران بسیج مردم برای دست یابی به خواسته های ملی آغاز گردید. فرقه دمکرات آذربایجان خود را برای قیام مسلحانه آماده نمود. پست های ژاندارمری و پادگانهای نظامی یکی پس از دیگری در مقابل فدائیان تسلیم شدند. لشکر سه تبریز بشکل مسالمت آمیز تسلیم شد. تبریز در دست فدائیان قرار گرفت. فرمادهان لشکر چهار ارومیه از تسلیم شدن سر باز زدند. جنگ خونین میان فدائیان و لشکر چهارم رخ داد با این حال در عرض چند روز تسلیم شد فرماده آنها دستگیر و زندانی گردید.

کنگره سراسری آذربایجان در تبریز تشکیل گردید و وظایف حکومت جدید آذربایجان را مشخص نمود و با نشر اعلامیه هدف خود را اعلام نمود و این اعلامیه ها به سازمان ملل متحد، به مجلس شورای و به شخص شاه ایران فرستاده شد. در این اعلامیه ها تصریح می شد که آذربایجان جز لاینجزای ایران است، مردم با دست یابی به خود مختاری محلی امور داخلی آذربایجان را اداره خواهد کرد.

کنگره ملی برای اداره امور آذربایجان یک هیئت ۳۹ نفری انتخاب نمود و این هیئت تا تشکیل مجلس ملی آذربایجان وظایف محول را اجرا نمود.

انتخابات مجلس بزودی آغاز گردید اولین بار در تاریخ ایران زنان از حق رأی بر خوردار شدند. بعد از

انتخابات مجلس ملی تشکیل گردید، هیئت رئیسه خود را انتخاب نمود در اولین اجلاس مجلس پیشه وری را مأمور کرد تا کابینه دولت خود را تشکیل دهد. و به مجلس مرفع نماید. پیشه وری وزیرای دولت خود را انتخاب نمود برای گرفتن رأی اعتماد به مجلس ملی تقدیم نمود. در عین حال برنامه دولت را نیز تقدیم مجلس نمود بعد از مذاکره و ارائه پیشنهادات برنامه دولت به تصویب رسید و وزیرای دولت رأی اعتماد گرفتند. پیشه وری بعنوان نخست وزیر برای اجرای برنامه دولت به اقدامات عملی دست است. در عرض کوتاه ترین مدت اصلاحات سیاسی، اجتماعی و اقتصادی انجام داد. آبادی شهرها و راه ها اصلاحات ارضی، اصلاحات فرهنگی، رسمیت دادن به زبان مادری در تمام ادارات و آموزش پرورش تشکیل دانشگاه دولتی از جمله اصلاحاتی بود که در تاریخ آذربایجان با خط زرین ثبت شده است.

تشکیل حکومت ملی در آذربایجان اصلاحات انجام شده از طرف این حکومت دشمنان آزادی و دمکراسی در ایران و خارج از ایران را وحشت زده نمود تبلیغات ضد آذربایجانی در تهران و در قسمت های جنوب ایران همچنین در آمریکا و انگلیستان بشکل گسترده انجام گرفت. عمده ترین هدف با این تبلیغات وسیع خنثی کردن تأثیر اصلاحات دمکراتیک در آذربایجان در سراسر ایران و خاورمیانه بود. آنها می دانستند که آذربایجان خود مختار به هیچ وجه از ایران جدا نخواهد شد. پیشه وری شخصیتی بود که ایران را میهن خود می دانست و به خاطر همین میهنپرستی بود که ده سال در زندان رضا شاه با شکنجه روحی روبرو گردید. آمدن او به آذربایجان و تشکیل حکومت ملی در این استان انقلابی به خاطر برگرداندن آزادی به ایران بود. او با صراحت می گفت متفقین از ایران می روند حکومت مرتجعین در سر قدرت باقی مانده اند این حکومت با اتکا به آمریکا و انگلیس دوران سیاه دیکتاتوری رضا شاه را احیا خواهد نمود. دولت آمریکا و انگلیس نیز بر این «عقیده» بودند که ایران به مرحله نرسیده است که در آن دمکراسی برقرار شود. جدا کردن آذربایجان از ایران و الحاق آن به آذربایجان شوروی بهانه بود در دست مرتجعین ایران برای طرد نفوذ شوروی از ایران و سرکوب جنبش ملی در آذربایجان.

دولت های حکیمی و صدر با عجله می خواستند ارتش شوروی از ایران خارج شود دست تهران برای سرکوب نهضت آذربایجان باز شود. اما مرتجعین دست به حيله و تزویر زدند. قوام السلطنه را سرکار آوردند تا با دست این رویه پیر به هدف شیطانی خود دست یابند چنین هم شد قوام با مقامات شوروی به مذاکره پرداخت، و «قول» داد مسئله آذربایجان را از طریق مذاکرات حل خواهد نمود. قوام حيله گر عزم خود را جزم کرد و راهی مسکو شد با رهبران شوروی وارد مذاکره گردید. با این که در

چرایی و چگونگی...

این اقامت ۲۱ روز خود به اهداف خود دست نیافت.

ولی در سه مورد. ۱- درباره خروج ارتش شوروی از ایران. ۲- درباره قرار داده نفت شمال. ۳- درباره حل مسئله آذربایجان از طریق مذاکره توافق ضمنی حاصل شد. قوام به تهران باز گشت. شوروی سفیر جدید خود را به تهران فرستاد. مذاکره میان قوام و سفیر شوروی «با موفقیت» انجام گرفت. تاریخ اخراج ارتش شوروی از ایران معین گردید و تصویب قرار داد نفت شمال به دوره پانزدهم مجلس شورای ملی واگذار گردید. برای حل مسئله آذربایجان مذاکره میان تیریز تهران آغاز گردید. این مذاکرات با ابتکار قوام السلطنه انجام گرفت. با پیشنهاد قوام هیئتی از آذربایجان به ریاست پیشه وری به تهران رفت. گرچه سفر پیشه وری به تهران رویداد دور از انتظار بود. با اینهمه فرقه ثابت کرد که آماده است برای حفظ صلح و آرامش از خود گذشته گی نشان دهد.

مذاکره با تهران در جو بسیار سنگینی انجام پذیرفت. به دلیل اینکه تهران این گفتگو را بسیار بی اهمیت تلقی و سرسری بر گزار کرد. و شاید هم از روی تجاهل می خواستند جنبش آذربایجان را بی ارزش قلمداد کند. با این حال گفتگوها پانزده روز به درازا کشید و اعضای هیئت آذربایجان بدون حصول نتیجه به تیریز باز گشتند. بعد از مراجعت نمایندگان آذربایجان دولت قوام ابلاغیه هفت ماده را در مورد حل مسئله آذربایجان منتشر کرد. در این ابلاغیه گفته میشود. «به موجب» اصول ۲۹، ۹۰، ۹۱، ۹۲ و ۹۳ متمم قانون اساسی... اختیارات انجمن های ایالتی - ولایتی در آذربایجان به قرار زیرین تأیید و تصریح میشود.

۱- رؤسای ادارات کشاورزی، بازرگانی، صنعت، حمل و نقل منطقه، آموزش و پرورش، بهداشت، انتظامات، دادگستری و دادستانی و مدیر اداره دارای توسط انجمنهای ایالتی و ولایتی انتخاب بر اساس مقررات، حکم رسمی آنها توسط دولت از تهران صادر میشود.

۲- والی با جلب نظر انجمن ایالتی توسط دولت بر گزیده میشود. و انتصاب فرماندهان ژاندارمری و نیروهای انتظامی توسط دولت صورت می گیرد.

۳- زبان فارسی، مانند همه ایالات دیگر، در آذربایجان نیز زبان رسمی شمرده میشود. در ادارات محلی و دوایر دولتی فارسی و آذری (ترکی) صورت میگیرد، ولی در مدارس ابتدای تا کلاس پنجم، آموزش به زبان آذربایجانی هم انجام خواهد شد.

۴- دولت، هنگام تخصیص عواید مالیاتی و تنظیم بودجه مملکتی، هزینه های آبادی شهرهای آذربایجان و بهبودی وضع بهداشت و آموزش این ایالت را در نظر خواهد گرفت.

۵- فعالیت سازمانهای دمکراتیک و اتحادیه ها در آذربایجان نیز مانند دیگر ایالات آزاد است.

۶- هیچ تضییق و پی گردی در مورد مردم و فعالان دمکراسی، به دلیل مشارکت آنان در جنبش دمکراتیک به عمل نخواهد آمد.

۷- موافقت میشود که تعداد نمایندگان آذربایجان به تناسب نفوس این ایالت افزایش یابد. پیشنهادهای لازم در این مورد، هنگام تشکیل پانزدهمین دوره قانون گذاری، تقدیم مجلس خواهد شد که در صورت گذشتن از تصویب، انتخاب تنمه وکالای آذربایجان برای همان دوره صورت خواهد گرفت.

هیئت نمایندگی آذربایجان نیز بخش از نقطه نظرهای خود را در سی و سه بند تنظیم و به هیئت نمایندگی تهران ارائه دادند تا به نظر دولت به رسانند.

هیئت نمایندگی آذربایجان در تاریخی نه اردیبهشت ۱۳۲۵ با هیئت نمایندگی دولت در تهران ملاقات کرد. یک روز بعد سپهر و مظفر فیروز خود را بعنوان نمایندگی تام الاختیار دولت مرکزی معرفی کردند. متن سی و سه ماده ای به نظر ایشان رسید. فردای همین روز پیشه وری با قوام السلطنه دوبر ملاقات کرد. در پی دو جلسه گفت و گوی قوام و پیشه وری متن ابلاغیه زیر را تهیه و به نمایندگان دولت قوام تسلیم کردند.

به دنبال صدور بیانیۀ خاکی از حسن نیت قوام السلطنه نمایندگان دولت مرکزی و هیئت نمایندگی آذربایجان پس از تبادل افکار به این نتیجه رسیدند که جنبش دمکراتیک آذربایجان نه به منظور تجزیه آذربایجان از ایران، بلکه با نیت و برنامه اعمال به اجرای قوانین مشروطیت در سراسر ایران صورت گرفته است. برای جلوگیری از هر گونه سوی تفاهم و برادر کشی اعلام کردند که اختلاف بین آذربایجان و ایران وجود ندارد. برای حل اختلافات جزئی هم مقرر شد هیئت آذربایجانی در تهران حضور داشته باشد. تا به نحوی کارها را سر سامان دهد... به گونه ای که قوانین مشروطیت نقض نشود. و بویژه آزادی خلق آذربایجان لطمه ای نبیند...

در دیدار سوم قوام السلطنه و پیشه وری اختلاف نظری در مورد مسئله ای تقسیم اراضی بروز کرد. این امر باعث شد. تا دو روز در مذاکرات وقفه پدید آید. پس از دو روز دولت قوام السلطنه اصلاحاتی که می بایست در مذاکرات مد نظر قرار می گرفت در ابلاغیه که به شرح زیر تنظیم کرده بود توسط نمایندگان معتبر به هیئت آذربایجانی تسلیم کرد.

شورای ایالتی آذربایجان به جای مجلس ملی آذربایجان. هیئت مدیره آذربایجان به جای هیئت وزیران آذربایجان. رؤسای دوایر آذربایجان به جای وزرای ملی آذربایجان. اصل ماده یک پیشنهاد دولت پذیرفته می شود...

والی با پیشنهاد شورای ایالتی آذربایجان تعیین و با صدور حکم دولتی به استانداری بر گزیده خواهد شد. نیروهای مسلحی به نام نیروی نگهبان تشکیل می شود...

اصل ماده ای پیشنهادی دولت تصویب می شود.

۷۵٪ مالیاتهای که بر اساس قوانین مملکتی وصول می شود با نظارت شورای ایالتی برای پرداخت حقوق کارکنان ادارات «نیروی نگهبان» به مصرف خواهد رسید.

جرایی و چگونگی....

اصل ماده ای پیشنهادی دولت تصویب می شود. هیئت نمایندگان آذربایجان به منظور حل مسأله آذربایجان و استحکام بخشیدن به مبانی دمکراسی در ایران مذاکرات متعددی میان هیئت نمایندگان رسمی دولتی ایران و هیئت نمایندگی آذربایجان به عمل آمد. بعد مبادله افکار این نتیجه حاصل شد که جنبش دمکراتیک آذربایجان قصد تجزیه آذربایجان از ایران ندارد. بلکه به قصد جامعیت بخشیدن به قوانین مشروطیت و استحکام و مداومت این قوانین صورت پذیرفته است. نمایندگی رسمی دولت ایران و هیئت نمایندگان آذربایجان در مورد موادی که ذیلاً درج می شود به توافق رسیدند. این توافق حاوی دوازده ماده است که بطور خلاصه درج می شود. ایالتی آذربایجان شامل دو استان سوم و چهارم و محال خمسه می باشد. من بعد... اصطلاح مجلس ملی، شورای ایالتی هیئت وزیران هیئت مدیران و رؤسای ادارت محلی نامیده خواهد شد.

والی آذربایجان از طرف شورای ایالتی پیشنهاد و حکم انتصاب از طرف دولت صادر خواهد شد.

رؤسای ادارات دولتی... توسط شورای ایالتی انتخاب و احکام رسمی توسط دولت صادر خواهد شد.

نیروی مسلحی به نام «نیروی نگهبان» تشکیل خواهد شد که امنیت راه ها تأمین و به نیروهای اجرای یاری کند... آموزش در مدارس ابتدای به زبان آذربایجانی و در مدارس متوسطه به دو زبان آذربایجانی و فارسی صورت خواهد گرفت. کارهای دفتری در ادارات محلی و ثبت مکاتبات و احکام دادگاه ها به دو زبان فارسی و آذربایجانی انجام خواهد گرفت.

کلی اصلاحات اقتصادی و اجتماعی ملی و ارضی در آذربایجان... به رسمیت شناخته می شود.

موافقت می شود که تعداد نمایندگان آذربایجان به تناسب نفوس این ایالت افزایش یابد...

دولت متحد می شود که در قوانین انتخابات مجلس شورای ملی تژدید نظر کند...

این قرار داد پس از تصویب دولت ایران و مجلس ملی آذربایجان رسمیت خواهد یافت.

مفاد این موافقتنامه شامل کردستان آذربایجان نیز می شود.

این پیشنهاد بعنوان مبنای مذاکرات بعدی منظور شد. بطور کلی میتوان گفت پس از چهارمین دوره مذاکرات بین پیشه وری و قوام السلطنه توافق نظر حاصل شد. و مقرر گردید که لایحه جدیدی توسط مظفر فیروز... تنظیم و آماده شود. مظفر فیروز لایحه زیرین را آماده... و به هیئت نمایندگی آذربایجان ارائه داد.

متن کامل این لایحه از نظر خوانندگان می گزرند.

اخیراً جنبش دمکراتیک که در آذربایجان به وقوع پیوسته، قصد داشته آزادی و مبانی دمکراسی را در سراسر ایران جامعیت بخشد. مذاکراتی بین دولت و نمایندگان آذربایجان به عمل آمد و نمایندگان آذربایجان

ضمن پذیرفتن ابلاغیه ۷ ماده ای دولت، پس از تبادل اندیشه ها، توافق نظر حاصل شد. مواد زیرین که به عنوان تکملۀ ابلاغیه ۷ ماده ای دولت تدوین شده، پذیرفته و اجرا خواهد شد.

۱- نخستین مادۀ ابلاغیه با تغییر دادن «ناظر مالی» به «رئیس مالیه» و افزوده شدن عبارت «رئیس امور اقتصادی و بازرگانی» به آن، کلاً پذیرفته می شود.

۲- والی آذربایجان با پیشنهاد انجمن ایالتی آذربایجان و تصویب دولت تعیین و برگزیده خواهد شد.

۳- دولت، تشکیلاتی را که در نتیجه تحولات اخیر آذربایجان و تحت عنوان «مجلس ملی آذربایجان» وجود آمده، به عنوان انجمن ایالتی آذربایجان می شناسد و پس از تشکیل مجلس پانزدهم و تصویب قوانین نوین انتخابات انجمن های ایالتی و ولایتی، به پیشنهاد دولت، انتخابات انجمن های ایالتی - ولایتی بر اساس قانون جدید در اسرع وقت برگزار خواهد شد.

۴- برای به اجرا در آوردن تصمیم های انجمن ایالتی، فراهم کردن امکان روند بهینه امور و به خصوص نظارت بر صحت هزینه شدن ۷۵٪ مالیات های وصولی، شورای ایالتی مرکب از رؤسای ادارات و هیئت رئیسه انجمن ایالتی تشکیل خواهد یافت.

۵- موافقت شد که کمیسیونی مرکب از اعضای دولت آقای قوام السلطنه و نمایندگان انجمن ایالتی آذربایجان تشکیل یابد تا به مشخص شدن تکلیف افرادی که به عنوان نیروهای آذربایجان توسط جنبش آذربایجان به نظام وظیفه فرا خوانده شده اند، رسیدگی کند و راه حلی برای تصویب چگونگی آینده آن ها ارائه دهد و این تصمیم را به دولت مرکزی و انجمن ایالتی پیشنهاد کند.

۶- در مورد وضع و چگونگی تأمین مالی آذربایجان، موافقت به عمل آمد که ۷۵٪ درآمدهای ایالتی به هزینه های محلی اختصاص یابد و ۲۵٪ بقیه، برای اختصاص دادن به هزینه های عمومی ایران به مرکز تحویل گردد.

تبصره: درآمدها و هزینه های راه آهن، پست و تلگراف و کشتیرانی دریاجه ارومیه از این موافقت مستثنی هستند و درآمدها هزینه های آن ها به عهده و منحصر به دولت است. توضیح این که، مخابرات و تلگراف های انجمن های ایالتی و ولایتی و دوایر دولتی در آذربایجان رایگان خواهد شد.

۷- دولت تعهد می نماید که رساندن راه آهن تهران - تبریز را از میانه به تیریز در سال جاری به اتمام برساند. این اقدام در حداقل زمان ممکن اجرا خواهد شد. روشن است که در انجام این طرح، کارگران و متخصصان آذربایجانی بر دیگران حق تقدیم دارند.

۸- احداث و مرمت راه های شوسه اصلی به عهده دولت است و راه های فرعی به عهده انجمن ایالتی است.

۹- نیروهای داوطلب نظامی متشکل به نام «فدایی» که از نیروهای نظام وظیفه شناخته شده مجزا است، به

چرایی و چگونگی...

نیروی انتظامی روستایی تبدیل می شود. فرمانده این نیروها به پیشنهاد انجمن ایالتی آذربایجان و با تصویب دولت مرکزی انتخاب خواهد شد.

۱۰- دولت اصولاً با تقسیم اراضی خالصه دولتی که پس از جنبش دمکراتیک در آذربایجان صورت گرفته، موافق است و تعهد می نماید که در اولین فرصت لایحه تقسیم این نوع اراضی را جهت تصویب به مجلس شورای ملی پیشنهاد کند و تقسیم اراضی خالصه دولتی را میان روستاییان در دیگر نقاط ایران نیز در آن لایحه پیش بینی نماید. برای جلب رضایت مالکان اراضی دیگری که در نتیجه نهضت دمکراتیک در آذربایجان، املاک آن ها عملاً و بلاعوض میان روستاییان تقسیم و به کشتکاران واگذار شده، پیشنهاد ترتیب جای گزین کردن این اراضی و اراضی مشابه آن، به مجلس ارائه خواهد شد.

۱۱- به موجب ماده سوم ابلاغیه دولت، مقرر می شود که زبان رسمی و دولتی در آذربایجان، زبان فارسی است. کارهای دفتری ادارات و دادگستری و محاکمات دادرسی به زبان فارسی دولتی و زبان آذربایجانی صورت خواهد گرفت. آموزش تا کلاس پنجم ابتدایی به زبان آذربایجانی خواهد بود و موافقت شد که در کلاس های بالاتر از پنجم ابتدایی، آموزش مطابق روال وزارت معارف به زبان های آذربایجانی و فارسی صورت گیرد.

۱۲- دولت متعهد می شود که هنگام گشایش مجلس پانزدهم، لایحه قوانین انتخابات را که در آن اصول آزادی و دمکراسی، یعنی عمومی، مخفی مستقیم و متساوی برای زن و مرد گنجانده خواهد شد، تقدیم مجلس شورای ملی کند و تصویب فوری آن را در خواست نماید.

۱۳- دولت موظف است که قانون انتخابات انجمن های شهری را مبتنی بر بنیان های دمکراتیک (عمومی، مخفی، متناسب، مستقل و برابر حقوق برای زن و مرد) که بتواند استقلال کلیه انجمن های شهر را تأمین کند، در اسرع وقت تقدیم مجلس شورای ملی کند. انجمن هاس شهری آذربایجان تا تصویب این لایحه ابقا خواهد شد.

۱۴- به موجب ماده ۱۱ این موافقت نامه، اقلیت های ملی ساکن آذربایجان، شامل کردها، ارمنی ها و آشوری ها، تا کلاس پنجم ابتدایی به زبان مادری خود آموزش خواهند دید.

۱۵- ایالت آذربایجان، استان های سوم و چهارم و ولایت خمسه را شامل می شود.

۱۶- اجرای مفاد این موافقت نامه به پس از تصویب آن توسط هیئت دولت آقای قوام السلطنه و مجلس ملی آذربایجان - که پس از تصویب این موافقت نامه، به موجب ماده دوم، انجمن ایالتی نامیده خواهد شد - موکول می شود.

آنچه در بالا با استناد به اسناد و مدارک گفته شد نشان می دهد که حکومت ملی آذربایجان با تمام قدرت برنامه ای خود را با موفقیت اجرا نمود. و این روند تا

خرداد ۱۳۲۵ ادامه یافت. در عرض این مدت شش ماهه آنچنان تغییراتی در سیاست جهانی رخ داد که پیشه وری مجبور شد گام بزرگی به عقب بر دارد. و مذاکره با تهران را پذیرا شود. قرارداد پانزده ماده ای پیشنهادی تهران امضا کند. فرقه دمکرات آذربایجان با پیش گرفتن این سیاست نشان داد که به تحولات بین المللی پایبند است. زیرا آنچه که در آذربایجان رخ داده است با منشور آتلانتیک و اسناد سازمان ملل متحد مطابقت کامل دارد. طبق قرارداد پانزده ماده ای تهران خودمختاری مدنی در آذربایجان را پذیرفت. آذربایجان از طریق انجمن های ایالتی و ولایتی اداره می شود. آذربایجان همه ای تعهدات خود را اجرا نمود. دکتر جاوید وزیر کشور حکومت ملی آذربایجان به استانداری آذربایجان منصوب گردید. مجلس ملی آذربایجان به انجمن ایالتی آذربایجان تبدیل شد. پیشه وری هیچ مسئولیت دولتی را نپذیرفت. تنها به صدارت کمیته مرکزی فرقه دمکرات آذربایجان اکتفا نمود. ارتش ملی و فدائیان آذربایجان کماکان امنیت داخلی و مرزهای آذربایجان خود مختار را پاسداری می کردند. بدین طریق شکل اداره آذربایجان تغییر پیدا کرد اما محتوای دست آوردهای نهضت ۲۱ آذر همچنان باقی ماند. چند ماه بعد از امضای قرارداد پانزده ماده ای زد و خورد خود میان نیروهای دولتی و پیش مرگهای کردستان دمکراتیک و فدائیان آذربایجان با شدت ادامه یافت. و بلاخره دولت قوام السلطنه با پیمودن راه های پر پیچ و خم های «مسالمت آمیز» هدف نهایی خود را آشکار ساخت و اعلام نمود که بزودی انتخابات دوره پانزدهم مجلس آغاز خواهد شد. باز هم با حيله گری مرسوم در دستگاه دولتی ایران اعزام نیرو برای نظارت در انتخابات (نه برای سرکوب مردم آذربایجان) این تصمیم به مرحله اجرا در آمد. ارتش به سوی آذربایجان گسیل گردید. اول زنگان اشغال شد و چند ماه بعد ارتش سراسر آذربایجان را اشغال نمود. دولت تهران تمام تعهدات خود را که در تصویب نامه هفت ماده ای دولت از جمله مواد پنج و شش این تصویب نامه و قرارداد شانزده ماده ای تهران و تبریز گنجانده شده بود زیر پا گذاشت. کشت کشتار در زنگان و در قسمت های دیگر آذربایجان آغاز گردید. سیاست مداران ایران همیشه با روبرو شدن با مشکلات لاینحل به حيله شرعی دست می زنند. قران را مهر می کنند و به طرف مقابل می دهند. بعد از تسلیم شدن طرف مقابل قسم قران را کنار می گزارند. بعد گردن دشمن زیر شمشیر قرار می گیرد. این حيله گری سنتی توسط قوام السلطنه در آذربایجان بکار گرفته شد. «در ماده ای پنج تصویب نامه دولت گفته می شود. فعالیت سازمانهای دمکراتیک و اتحادیه ها در آذربایجان نیز مانند دیگر ایالات آزاد است».

در ماده ای شش همین تصویب نامه تصریح می شود «هیچ تضییق و پیگردی در مورد مردم و فعالان دمکراسی، به دلیل مشارکت آنان در جنبش دمکراتیک پیشین به عمل نخواهد آمد».

از این فاجعه تاریخی سالها گذشت رژیم حاکم دشمن مردم آذربایجان سرگون گردید. جای این حکومت فاسد را حکومت جدیدی گرفت. اما هیچ تغییر در راستای استقرار آزادی در ایران و قبول حق تعیین مردم غیر فارس انجام نگرفت. این معنا نیست که مردم از خواسته های قانون خود دست برداشتند همه ای مردم ایران برای بدست آوردن حقوق حقه خود مبارزه می کنند. این مبارزه مبارزه ی مرگ و زندگی است.

گفتاری درباره مسئله ملی

این باب تاکنون از سوی دانشمندان صاحب نظر و وطن پرست نگاشته و منتشر گردیده . بلکه از زاویه ای وارد بحث می شویم که طرح و شناخت مقولات مطروحه در شرایط مشخص کنونی از نیاز های میرم برای پیشبرد جامعه به سوی عدالت و پیشرفت میهنمان می باشد .

آن چه در این مورد هیچ شکی نمی توان داشت اینکه میهن ما ایران کشوری است کثیرا لملله که در طول تاریخ اقوام مختلف در آن به طور مسالمت آمیزی زندگی کرده اند . یقیناً هر گاه مشکلاتی بر سر راه اینسان زندگی صلح آمیزی پدید آمده ریشه در اعمال حکومتگران و مستبدان داشته که با تحریک و سوء استفاده از تفاوت های قومی و نژادی بدنبال تأمین منافع غارتگرانه خود بوده اند . وگرنه ، نه تنها در خلق های مختلف ساکن در ایران در اقوام و نژاد و ملیت های گوناگون ساکن در کره زمین یعنی به گستره تمامی بشریت موجود، فرهنگ مردمان هر چند تفاوت های عظیمی هم که با همدیگر داشته و دارند در فرهنگ اصیل هیچ کدامشان جنگ و نزاع و خونریزی هیچ جایگاه مقبول و پذیرفته ای ندارد . این حاکمان قدر و شریر نظام بین الملل اند که در این شرایط امپریالیسم آمریکا سر کردگی آن را بر عهده دارد برای تأمین منافع خود از این تفاوت های فرهنگی بین ملل و اقوام سوء استفاده نموده با مستمسک قرار دادن و بزرگنمایی تصنعی موارد کاملاً طبیعی با به انحراف کشیدن خواست های بحق و انسانی و عادلانه اشان نه تنها مانع حل منطقی و معقولانه و منصفانه آن می گردند . اصل مسئله را با هزاران لطائف الحیل لوٹ نموده با امکانات عظیم تبلیغی اشان با به کار گرفتن تکنولوژی مافوق مدرن خود در تمامی زمینه ها در عرصه های سیاسی ، اقتصادی و فرهنگی مطابق وضعیت خاص هر منطقه در هر گوشه ای از جهان حریصانه به دنبال منافع امپریالیستی خود می باشند . در این راه از به راه انداختن جنگ های دهشتناک و کشتار وسیع افراد و توسل به هر جنایت ضد انسانی رویگردان نیستند . در میهن ما ایران اقوام و ملیت های ساکنش بر مبنای نگرشی میهن پرستانه قویاً می خواهند در چارچوب کشوری واحد با به رسمیت شناختن و شناخته شدن حق و حقوق مبتنی بر برابری تمامی خلق های گوناگون در همه عرصه های زندگی اجتماعی همچنان نام ایرانی بر خود داشته باشند . آنهائیکه بر این خواسته های عادلانه و انسانی به بهانه نفی و بر خورد با آن بدان نام و بر چسب تجزیه طلبی می نهند دقیقاً خواسته با ناخواسته در جهت سیاست امپریالیسم آمریکا حرکت می کنند . سمت و سوی رفتارشان همسو با نقشه های این امپراطوری جنایتکار می باشد .

از اولیه ترین حق و حقوق و خواست مردم هر ملتی در درجه اول درک و شناخت و به رسمیت شناختن و احترام به فرهنگ و تاریخشان میباشد . جوشش تاریخ

ادامه درص ۱۴

ضرورت پیشرفت هر جامعه ای در موقعیت های مشخص تاریخی منوط و مشروط به درک ژرف و همه جانبه شرایط عینی و ذهنی و ارزیابی دقیق وضعیت سیاسی و اجتماعی و فهم علمی سطح رشد نیروهای مولده و داشتن برنامه ای روشن ومدون و اهدافی معین برای رسیدن به آنچه در هر مرحله ای از تکامل تاریخی الزامات رشد ، توسعه و عدالت اجتماعی جامعه را ناچار از رسیدن به آن می نماید بوده تا جوابگوی عملی نیاز مردمان در ابعاد و حوزه های مختلف زندگی اجتماعی باشد . بر این مبنای جامعه امروزی ایران که در یکصد سال اخیر با عظیمترین خیزشهای اجتماعی با ژرفترین خواسته های بشری در کوران نبردهای سخت می رود تا خود را به چنان سطحی از پیشرفت تکنولوژیک و علمی برساند تا هماهنگ و هم سطح با نظام بین الملل نموده یا به تعبیری از قافله تمدن جهانی عقب نماند نیز جواب و واکنشی شایسته خواست مردم که هر دم افزونتر از قبل خواهان طی طریق این مسیرند گشته، همچنین شرایطی پدید آید تا تمامی افراد از امکاناتی که جامعه در این زمانه عرضه می کند به تبع فعالیت و کوشش روز مره خود از آن عادلانه بهره مند گردند .

بر این اساس شناخت و درک واقع بینانه موقعیت جامعه ایران، داشتن نگرشی روشن از جوانب مختلف اقتصادی، سیاسی و فرهنگی که در ارتباطی عمیق و همه جانبه با وضعیت بین المللی در تکاپوی رسیدن به آنچنان اهدافی است تا نیاز های لازمه انسانی مردمان را که اکثراً نیز قشر جوانند و دارای آرمان های ترقیخواهانه ، تأمین نماید . این شرطی بس ضرور برای گشودن راه خویشتن به سوی آینده تابناک در این موقعیت حساس تاریخی کشورمان میباشد .

از ضروریات ترقی و پیشرفت هر جامعه ای شناخت درست علمی راه ، نمایاندن چاه و مسیرهای انحرافی برای پرهیز از ورود و دخول بدانهاست . به اقتضای منافع خاص انگلی خود عده ای به عمد چاهها را عمیق تر می نمایند تا امتیازاتشان را حفظ نموده و اصولی سرانجامی و تباهی راه توسعه و ترقی از الزامات حفظ منافعشان می باشد .

در کشور ما ایران در این شرایط خاص تاریخی یکی از این موارد مهم که دستاویز کسانی برای به انحراف کشیدن فرهنگ مبارزاتی مردم می باشد مسئله ملی و مسائل مطروحه پیرامون آن در این مورد می باشد . طرح منطقی و شناخت درست آن شرطی ضرور برای حل عادلانه و انسانی با پرداخت کمترین هزینه اجتماعی ممکن می باشد . لذا در قدم اول می بایست به طرح منصفانه صورت مسئله با پرداختی علمی نشست . آن گاه به چاره جویی معقولانه و عقلانی برای حل آن دست یازید . در این مقاله نگارنده نمی خواهد وارد مباحث فنی و تئوریک در این حوزه شود . مطالب فراوان علمی در

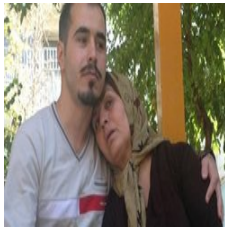
گفتاری درباره...

معاصر ایران که با انقلاب مشروطه آغاز شد و هنوز هم مبارزه و مجاهدت برای رسیدن به خواسته های آن انقلاب نیمه تمام در همه عرصه ها با جانفشانی های مردم در این شرایط بس خطر ناکي که امپریالیسم آمریکا پس از پایان جنگ سرد به وجود آورده با رنج و مشقت ادامه دارد. در طی این یک صد ساله کدامین خواست و حرکت ملی و اجتماعی، عادلانه و به حق نبوده و مبنای تجزیه طلبی داشته؟

بیش از سی سال دستگاه پر عریض و طویل آریا مهری بر قیام پر شکوه مردم آذربایجان در سال 1324 که خواهان خود مختاری در چارچوب کشور ایران بودند، حتی در مرانامه خود صراحتاً بر آن تأکید داشتند بر بوق و کرنا دمید که آنان مشتی تجزیه طلب و وابسته به بیگانه بودند تا سرکوب و کشتار بیش از 35 هزار نفر از مردم آن دیار و قتل و غارت مردمان آن خطه را توجیه کنند. ولی آخر الامر تاریخ بر همگان آشکار نمود این خود شاه بیشرم و حیا بود که بیگانه و عامل و سرسپرده بیگانه، حتی سرکوب خونین و وحشیانه مردم آذربایجان به دستور اربابان بیگانه استعمارگرش بود.

اینک که پس از پایان جنگ سرد از اولویت های سیاست امپریالیسم آمریکا برای حفظ منافع امپریالیستی خود سو استفاده از اختلافات قومی، فرهنگی ملل مختلف برای براه انداختن جنگ های خانمانسوز منطقه ای می باشد. اهمیت درک این نکته و برخورد مسئولانه با این مطلب مهم از سوی روشنفکران ترقی خواه و میهن پرستان واقعی جدیدی در خور می طلبد. تا با شکافتن اصل موضوع و توضیح نیات واقعی امپریالیسم که به اعتراف و اذعان تئوریسینهایش برخورد تمدن ها را مد نظر دارد. به دنبال جنگ افروزی و آتش افروزی است. توده مردم را هشیار نموده با بسیجی همگانی سیاست و اهداف جنایت کاران را عقیم گذارند. روشن و مشخص سازند که تنها راه حل عادلانه مسئله ملی جزئی جدایی ناپذیر از سایر خواست های دمکراتیک سراسری مردم کشورمان می باشد و راه حلی بر بستری عقلانی در چارچوب حفظ و پاسداری از تمامیت ارضی و در نظر داشتن منافع ملی کل میهنمان را می طلبد. **صادق شکیب**

نامه حسین رونقی ملکی از زندان اوین به خامنه ای



سید حسین رونقی ملکی در 22 آذرماه 1388 به همراه برادرش در خانه پدری دستگیر و به جرم فعالیت در جریان انتخابات ریاست جمهوری با اتهام تبلیغ علیه نظام، توهین به رهبری و توهین به رئیس دولت به 15 سال زندان محکوم شد. در جریان بازجویی و فشارهای روحی و روانی که چندی پیش در نامه خطاب به بازجویان پرده از آن بر داشته بود کلیه های او دچار آسیب شدیدی شد که تا به حال چند بار تحت عمل جراحی قرار گرفته است. بی توجهی مسئولان زندان به وضعیت کلیه اش و عدم انتقال او به بیمارستان برای درمان، این زندانی سیاسی از هیجدهم مرداد دست به اعتصاب غذا زده است. بی توجهی مسئولان قضایی به خواست او، مادرش زلیخا موسوی نیز اعتصاب غذا کرده است.

پدر حسین رونقی که پیگیری هایش برای رسیدگی به وضعیت فرزندش بی نتیجه ماده است. در نهم شهریور طی پیمایی در بمبیدس مجلس بر آنها یاری می طلبد. در این پیام آمده است: احتراماً به استحضار می رساند کلیه چپ پسر من از دست رفته است کلیه راست کار دو کلیه را انجام می دهد و ۲۱ روز است که به خاطر نبود امکانات پزشکی، نبود متخصص، نبود دارو، نبود غذای مناسب کلیه اش عفونت کرده و فرندم به خاطر مرخصی استعلاجی و درمانی اعتصاب غذا کرده است. دادستانی تهران در جریان می باشد و اگر به فوریت توجه نشود فرزندم در زندان اوین جان خود را از دست خواهد داد تقاضای کمک قانونی را خواستارم.

حسین رونقی ملکی در نامه ای این بار خطاب به خامنه ای رهبر جمهوری اسلامی در اعتراض به آنچه در زندان های رژیم بر سر او و دیگر فرزندان خلق می آید، از جمله می نویسد:

بدون مقدمه باستحضار می رسانم که اینجانب سیدحسین رونقی ملکی از ۳۱ اردیبهشت ۱۳۹۲ با وجود بیماری کم کاری و نارسایی کلیوی و بر خلاف نظر پزشکان و متخصصان به دستور دادستان تهران به زندان اوین بازگشتم و متأسفانه در سه ماه اخیر که در زندان بودم محیط غیربهداشتی زندان، غذای نامناسب و ناسالم و عدم دسترسی به پزشک معالج و امکانات تخصصی باعث تشدید بیماری اینجانب گشته و به همین دلیل و در اعتراض به بی توجهی مسئولان نسبت به جان انسان ها ۲۴ روز است اعتصاب غذا کرده ام و مادر رنج کشیده من، زلیخا موسوی، نیز برای نجات جان فرزندش و در دفاع از حقوق من ۱۳ روز است در اعتصاب غذا به سر می برد با این حال مسئولان به وضعیت وخیم من و مادرم توجه نمی کنند و سعی دارند گفته خود را مبنی بر اینکه نهایتاً من در زندان می میرم به کرسی بنشانند که این برخورد بر خلاف قانون، شرع و اخلاق است.

وی در ادامه می نویسد:

من یکی از جوانان ایران هستم که در این سرزمین بدبیا آمده و بزرگ شده ام و بر خلاف حرف عده ای از عناصر افراطی که اتهام دشمن و بیگانه بودن به من و امثال من می زنند یک جوان ایرانی هستم که به منافع ملی و مردم خود می اندیشم که همانند بسیاری از جوانان کشورم مرگ در سرزمین خود را به زندگی در کشوری دیگر ترجیح دادم.

باری دیگر با تشدید بیماری که حاصل بازگشت مجدد به زندان است با بیماری کم کاری و نارسایی کلیوی، خونریزی، عفونت و تورم کلیه ها، التهاب پروستات و مثانه، خونریزی معده و دستگاه گوارشی، آنژین قلبی و تکرر ادرار مواجه شده ام. بر اساس معاینات پزشکان ضربان قلب بالا و فشار خون پایین نیز مشکلات مرا دو چندان کرده است که این علائم خطر حمله قلبی را نشان می دهد.

ضمن شکایت از وضعیت موجود که بی تدبیری برخی مسئولان عامل آن است و با توجه به اصرار بازجویان اطلاعات سپاه و دادستانی تهران بر نگهداری من در زندان اعلام می کنم مسئولیت هر اتفاقی برای سلامت و جان من و مادر رنج کشیده ام با مسئولان جمهوری اسلامی، سپاه پاسداران، بازجویان اطلاعات سپاه، قوه قضاییه، دادستانی تهران و سازمان زندان ها است چرا که پیش از این بارها از طریق نامه نگاری وضعیت موجود را گزارش کرده ام و تاکنون با بی توجهی کامل مسئولان مواجه گشتم. تقاضای اینجانب از حضرتعالی رسیدگی فوری به وضعیت نامساعد موجود است.

کشتارینا هندگان در اردوگاه اشرف

دهم شهریور در یک یورش سازماندهی شده به اردوگاه اشرف، محل اسکان گروهی از کادرها و رهبران سازمان مجاهدین خلق نزدیک به پنجاه نفر از آنها بطور فجیعی به قتل می‌رسند. سازمان مجاهدین مدعی است که مهاجمان عده ای را هم به گروگان گرفته اند. علی موسوی یکی از سخنگویان نخست وزیر عراق این کشتار را نتیجه درگیری ساکنان اردوگاه دانسته است. اما صدا و سیمای جمهوری اسلامی می‌گوید، حمله کنندگان به اردوگاه گروهی از مردم و مجاهدین عراقی بوده اند. سپاه پاسداران طی بیانیه ای این کشتار را "اقدام انقلابی فرزندان رشید و انقلابی مجاهدان شهید عراقی" اعلام کرد. محمد رضا نقدی فرمانده بسیج سپاه پاسداران حمله به اردوگاه اشرف را بالاتر از عملیات مرصاد دانست.

با این همه، ابعاد این جنایت هنوز کاملاً مشخص نشده است. بخصوص که سازمان ملل و دولت آمریکا اردوگاه اشرف و لیبرتی را برسمیت شناخته بودند و در نتیجه متعهد به حفاظت از آنها می‌باشند. این عمل نشان داد می‌تواند جان تمام افرادی که بعنوان مجاهد در عراق ساکن هستند همیشه در معرض خطر باشد. تغلل سازمان مجاهدین خلق پس از سقوط صدام حسین، برای انتقال و اسکان مجاهدین به کشورهای دیگر نیز سؤال انگیز است.

هر انگیزه ای که پشت سر این جنایت بوده باشد، هرگز توجیه پذیر نیست. افکار عمومی هرگز آمران و عاملان چنین حوادثی را نخواهند بخشید.

تبریز

تبریز تویی مهد رشادت و شهامت
پاینده نمودار نزاکت و شجاعت
در دامن کهسار زدی خیمه و خرگاه
بازار بنا کردی و کاشانه و بنگاه
ایجاد نمودی همه جا کوچه خیابان
بنیاد نهادی تو دو صد دایره میدان
بر پا نمودی تو عمارت و مساجد
کردند عبادت به خدا شاکر و عابد
بخشیده طبیعت به تو باغ و چمن گل
رویده درختان همه جا لاله و سنبل
نامت همه جا بر همگان مایه فخر است
گویند به بزم و به رزم تبریز قشنگ است
ستارخان و باقرخان مردان دلیر دوران
افزاشته کردند همه جا پرچم مشروطه ایران
مسکون تو بودم به جوانی چه خوش آن روز
صد حیف که دورم ز تو آشفته ام امروز
خواهم که دگر بار شوم ساکنت امروز
از یاد برم تلخی و ناکامی دیروز
تبریز تو خوش باش که شایسته آنی
در قلب و دل هموطنان زنده بمانی
هرچند رزندی نگرانی، لیکن
حافظ شهر خدا هست و تو باشا ایمن
۱۳۸۹

عارف صفامحکمه

منی محکمه یه آپارین دوستلار،
اوردا سویله میه سوزوم وار منیم.
انله ظن اتمه بین ضیفله میشم،
حله اوره یمده دوزوم وار منیم.پ.

منی محکمه یه آپارین گوروم
آز ادلیق او غروندا دویوشن لری.
یالانچی حاکمه، ساختا شاهیده
باخیب آجی - آجی گولوشنلری.

منی محکمه یه آپارین دوستلار،
توپوروم اوزونه حقسیزلیغین من.
انله حایقیریم کی، یر، گوی تیتیرسین
داعلار دیله گلسین دردی سیریمدن.

منی محکمه یه آپارین دوستلار،
ایگید او غوللارا فاتسینلار منی.
یا منی اورادا گوله لسین لر،
یا دا بوغازیمدن آسینلار منی .
۲۰۱۱ / ۸ / ۲۵

فاجعه کودتای 28 مرداد فراموش شدنی نیست

تاریخ معاصر میهن ما مشحون از پیکار مردم زحمتکش برای دستیابی به حقوق حقه دمکراتیک می باشد. سرآغاز این تاریخ انقلاب نیمه تمام مشروطیت است. در این بیشتر از یک سده شروع دور تازه ی مبارزات مردمی روند حوادث و سیر رویدادها با فراز و نشیب زیادی توأم بوده است. با تاملی بر تاریخ مبارزات میهنی به عیان مشخص می شود برای نیل به اهداف انسانی توده ها به علت مقاومت شدید ارتجاع گذر از سنگلاخ های دشوار اجتناب ناپذیر است. سرکوب وحشیانه ی استبداد و قتل عام فریخته ترین مبارزان به همراه موج وسیع تبلیغات و افسوسگرایان برای انحراف افکار عمومی، مانع اصلی برای شناخت واقعی تاریخ معاصر کشورمان توسط جوانان گردیده است. این موج گسترده تبلیغی در ابعاد و عرصه های مختلفی جریان داشته و دارد. شناخت و شناساندن ترفند های نیرو های ارتجاعی و بازنمایی تاریخ واقعی مبارزه ی مردم و توضیح و تشریح ضرورت درک این مسائل از مهم ترین وظایف نیروهای ترقی خواه است.

از اهم رویداد هایی که می توان گفت در تاریخ معاصر میهن بلا دیده ی ما تاثیر فوق العاده عمیقی بر تمامی نه تنها ساختار های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشورمان گذارده بلکه هویت آن را با اثرات ژرف خود معنایی دگرگونه و خاص بخشیده کودتای ننگین 28 مرداد است. انحرافات منبعث از مسیر ترسیمی این کودتا بر چگونگی مبارزات توده ها بعد از گذشت چند دهه هنوز هم با همه ی جان فشانی ها زودوده نشده است.

برای همین بازآموزی عمیق از شرایطی که منجر به پیروزی کودتا گشت و پیامد های مشقت بارش برای جامعه، نه تنها لازم که واجب است. حتی می توان صریح تر با قطعیت گفت: در هم تنیدگی حوادث امروزه ی کشور ما و راهی که برای پیشرفت و ترقی پی گرفته ایم از مباحث و روشن گری حول واقعه ی کودتای 28 مرداد جدایی ناپذیر است. از منظر امروز منطقی نگرستن به دیروز با شستن غبار های پیش دآوری از دیدگان، حاوی درس های گرانبغری خواهد شد که با اخذ تجربه و درس های قابل تامل برای رهایی به سوی آینده خواهیم توانست گامهایمان را با متانتی در خور برداریم. هر چند شرایط از هر حیث در این چند دهه تغییرات زیادی با آن ایام یافته و جامعه در فضایی بس متفاوتی با آن دوره است. ولی به رغم خواست ارتجاع و نیرو های وابسته به امپریالیسم که به انحاء مختلف در سطحی گسترده موزبانه برای فراموشی آن تبلیغ می کنند، ما بی نیاز از آموختن راز شکست خونین مردم در 28 مرداد نیستیم. اعجاز اتحاد از بزرگترین درس هایی است که می توان و باید سر لوحه ی یافته هایی گردد که از شکست نهضت ملی در پی کودتای سیاه، می بایست آموخت. که هر گز الزام آن کهنه شدنی نیست. بلکه به تناسب تعمیق نگرش به مسایل و تحلیل عمقی از ساز و کار های جامعه ضرورت آن در برابر دیدگان ما در کوران نبرد اجتماعی اهمیت فزونتری خواهد یافت.

از همان فردای پیروزی کودتای ننگین وارونه نمایی، جعل و تحریف واقعیات توسط دارودسته ی اوباش پهلوی و اربابان امپریالیستش در سطح وسیعی آغاز شد تا تاریخ مسخ شده ای برای میهنمان بنگارند. اوج وقاحت و بی شرمی آنها تا بدان حد بود که در 25 سال دوام سلسله ی پهلوی روز کودتای 28 مرداد از طرف دربار و وابستگانش ((قیام ملی)) نامیده می شد. این موضوع بیانگر وقاحت و بی شرمی امپریالیسم و کارگزاران ارتجاعی اش در دروغ گویی و تحریف واقعیات است و می رساند که مرتجعین در فریب، خدعه و نیرنگ به هیچ مرزی قائل نیستند. انتظار حتی حد اقلی از صداقت از سوی آنها نهایت خوش باوری و ساده دلی است. در این شرایط میهنمان که در تمامی عرصه های جامعه نبردی سرنوشت ساز در جریان است. کنکاش روش تبلیغی رژیم رستاخیزی کودتا می تواند حاوی درس های گرانبغری باشد. چرا که استمرار دروغ و خدعه بر گرفته از فرهنگ منحط آریا مهوری با اشکالی تازه و در قالب های نو شده وسیعا ادامه دارد.

پس از انقلاب شکوهمند 57 و سقوط خاندان پهلوی گستره دایره ی موج تبلیغی برای وارونه نمایی حقایق کودتا از سوی نیروهای ارتجاعی، از قبل بیش تر شد. و در ابعاد و عرصه های مختلفی به قلب واقعیات پرداختند. هدف شوم آنها بی ریشه ساختن نسل جوان کشور ماست تا با عدم شناخت درست تاریخ واقعی مبارزات میهنی مانع انتقال تجربیات ارزشمند نسل های پیشین و تزریق آن به رگ درخت تنومند مبارزه شوند.

جنبش مسالمت آمیز کنونی توده ها علیه واپس گرایان کودتا گر و به کار گیری پخته ترین روش های مبارزاتی مطابق وضعیت خاص کشور با بهره گیری از تجربیات سودمند جهانی نشانگر آن است نیاز آموختن از درس های گذشته و تطبیق آن با شرایط امروزی کشور از سوی طیف وسیعی از مبارزان نسل نو به درستی درک شده است. که می بایست با تعمیق شناخت از تاریخ واقعی کشورمان و کاربست تجربیات پیشینیان فرهنگ مبارزاتی را هر چه غنی تر ساخت. و مطمئن بود جبر تاریخ در سرانجام نبرد پیروزی نهایی توده ها را نوید می دهد. بر پیشانی کودتاگران رسوای 28 مرداد و همگنان کودتاگر امروزیشان که در زایشی نامیوم به باز تولید انگلی خود پرداخته اند جز داغ لعن و بی آبرویی توأم با شکستی مفتضحانه نصیبی نیست.

Azərbaycan qəzeti

5- ci dövr 106- ci nömrə. Sentyabr 2013

Baş redaktor. Əmirəli Lahrudi

www.adf-mk.az

باش رداكتور: امير علي لاهرودي

قزنت تحريريه هنيتي طرفيندن نشر اولونور

قزنتين آرتيريپ، ياييمي آزاددير

E-mail info @ adf - mk az